

Dimensions and Components of Governance from the Perspective of Imam Khomeini Following Public Management Knowledge Approach

Alireza Alikhanzadeh¹ | Dawood Hosseinpour² | Vajhollah Ghorbanzadeh³ | Behrouz Rezaei Manesh⁴

Research Paper

Received:
18 June 2022
Accepted:
13 July 2022
P.P: 11-61

ISSN: 2251-6980
E-ISSN: 2645-5234



Abstract

By examining previous researches on Imam Khomeini's thought on the subject of community management and governance, a comprehensive study of Imam Khomeini's thought from the perspective of public management knowledge and explaining the dimensions and components considered by him has been realized. Therefore, this article, by analyzing the thought of Imam Rah, has tried to fill this gap and present the dimensions and components of governance from the perspective of Imam Rah with the approach of public management knowledge; Therefore, the book of Imam Khomeini was studied using the method of content analysis, which finally extracted 199 basic themes, 28 organizing themes and 11 comprehensive themes. In the end, it was achieved that: "The Imam of Shiite jurisprudence has considered the scientific context of the emergence of the idea of governance and pure Muhammadan Islam as its theoretical basis. Republic, the rule of divine law and the institutionalization of values such as justice, independence and freedom, accountability and unity, the pillars of government regulation are defined from the perspective of Imam Khomeini and the main actors of government are the government and statesmen, nation, properties and institutions with the focus of Velayat-e-Faqih.

Keywords: Government, Governance, Public Administration, Islamic Governance, Imam Khomeini.

DOR: 20.1001.1.22516980.1401.30.2.1.2

1. Corresponding author: Ph.D. Candidate, Department of Public Administration, Faculty of Management and Accounting, Allameh Tabatabaei University, Tehran, Iran. A.alikhanzadeh@chmail.ir
2. Associate Professor, Department of Public Administration, Faculty of Management and Accounting, Allameh Tabatabaei University, Tehran, Iran.
3. Associate Professor, Department of Public Administration, Faculty of Management and Accounting, Allameh Tabatabaei University, Tehran, Iran.
4. Associate Professor, Department of Public Administration, Faculty of Management and Accounting, Allameh Tabatabaei University, Tehran, Iran.



DOR: 20.1001.1.22516980.1401.30.2.1.2

ابعاد و مؤلفه‌های حکومت‌داری از منظر امام خمینی (رحمة الله) با رویکرد دانش مدیریت دولتی

علیرضا علیخانزاده^۱ | داوود حسین پور^۲ | وجه الله قربانی زاده^۳ | بهروز رضایی منش^۴

چکیده

با بررسی پژوهش‌های گذشته پیرامون اندیشه امام خمینی (رحمة الله) در موضوع اداره جامعه و حکومت‌داری، به خلأ بررسی جامع اندیشه امام خمینی (رحمة الله) از منظر دانش مدیریت دولتی و تبیین ابعاد و مؤلفه‌های مدنظر ایشان پی برده شد. لذا این مقاله با تحلیل اندیشه امام (رحمة الله)، سعی کرده تا این خلأ را پوشانده و ابعاد و مؤلفه‌های حکومت‌داری از منظر امام (رحمة الله) را با رویکرد دانش مدیریت دولتی ارائه نماید. بنابراین صحیفه امام خمینی (رحمة الله)، با استفاده روش تحلیل مضمون مورد مطالعه قرار گرفت که در نهایت ۱۹۹ مضمون پایه، ۲۸ مضمون سازمان‌دهنده و ۱۱ مضمون فراگیر استخراج گردید. در نهایت این به دست آمد که: «امام فقه شیعه را بستر علمی ظهور اندیشه حکمرانی و اسلام ناب محمدی را مبنای نظری آن در نظر گرفته‌اند. ایشان هدف دولت را تحقق کامل حکومت عدل الهی ترسیم نموده و دولت را در مقام خدمتگزار مردم و مردم را در جایگاه ولی نعمتان در نظر گرفته‌اند. جمهوریت، حاکمیت قوانین الهی، مصلحت و نهادینه شدن ارزش‌هایی همچون عدالت، استقلال و آزادی، پاسخگویی و وحدت، ارکان تنظیم‌گری حکومت از منظر امام (رحمة الله) تعریف شده و بازیگران اصلی حکومت را دولت و دولتمردان، ملت، خواص و نهادهای مردمی با محوریت ولایت فقیه بیان نموده‌اند.»

کلیدواژه‌ها: حکومت؛ حکومت‌داری؛ مدیریت دولتی؛ حکمرانی اسلامی؛ امام خمینی (رحمة الله)

۱. نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری، مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبایی (ره)، تهران

A.alikhanzadeh@chmail.ir

۲. دانشیار، گروه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبایی (ره)، تهران، ایران

۳. دانشیار، گروه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبایی (ره)، تهران، ایران

۴. دانشیار، گروه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبایی (ره)، تهران، ایران

مقدمه

یک از مباحث کلیدی و چالش‌برانگیز بعد از انقلاب اسلامی ایران، نوع حاکمیت و نحوه اداره جامعه است که در سال‌های اخیر مورد توجه پژوهشگران حوزه علوم سیاسی، علوم دینی و مدیریتی قرار گرفته است. اتخاذ رویکردهای مختلف و شکل‌گیری پارادایم‌های مختلف، نشان‌دهنده افزایش اهمیت این مسأله، به‌ویژه در دوران معاصر بوده است. شکل‌گیری مفاهیمی چون مدیریت دولتی نوین، حکومت‌داری خوب، حاکمیت پایدار و...، دلیلی بر این مدعاست.

نکته مهم دیگر آن است که پس از انقلاب اسلامی، یکی از ادعای جمهوری اسلامی، نحوه اداره جامعه به شکلی متفاوت از دوره‌های گذشته است که این مدل برگرفته از ارزش‌های دینی و فرهنگی جامعه است. حضرت امام خمینی (رحمة‌الله) به عنوان بنیان‌گذار انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران و انقلاب اسلامی، نه تنها رهبر جامعه، بلکه تئورسین انقلاب بوده و برای اداره جامعه مطالب زیادی را بیان نموده و صاحب‌نظر می‌باشند. اندیشه ایشان، نه در زمان وقوع یا پس از شکل‌گیری آن، بلکه در سال‌ها قبل از آن بیان شده بود که از جمله آن می‌توان به کتب حکومت اسلامی، البیع و ولایت فقیه اشاره کرد.

به منظور تحلیل یا تبیین اندیشه امام خمینی (رحمة‌الله) در خصوص حکومت‌داری، لازم است ضمن رجوع به آثار به‌جای مانده از ایشان، تعریف مبسوطی از الگوی حکومت‌داری، مؤلفه‌ها و نقش‌آفرینان اصلی بیان نمود. الگوی پیشنهادی نه تنها باید تبیین‌کننده اندیشه امام (رحمة‌الله)، بلکه باید نسبت خود را با سایر نظریه‌های مدیریت دولتی بیان کند. از این رو لازم است این دیدگاه از منظر رهبر و بنیان‌گذار انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله‌العظمی امام خمینی (رحمة‌الله)، مورد بحث و بررسی قرار گیرد. در نهایت و به‌طور خلاصه هدف پژوهش، احصاء و تبیین ابعاد و مؤلفه‌های حکومت‌داری از منظر امام خمینی (رحمة‌الله) با رویکرد دانش مدیریت دولتی است.

لازم به توضیح است مطابق با نظر فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ترجمه واژه (Governance)، حکومت‌داری در نظر گرفته شده است؛ هر چند در اکثر متون از واژه حکمرانی استفاده شده است.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

حکومت‌داری

مطابق با نظر صاحب‌نظران، سه سبک اصلی برای حکومت‌داری تصویر شده است: (۱) حکومت‌داری شبکه‌ای، (۲) حکومت‌داری سلسله‌مراتبی و (۳) حکومت‌داری بازار. ریشه سبک سلسله‌مراتبی در گرایش به سلسله‌مراتب و جبرگرایی است و سبک بازار نیز ریشه در فردگرایی دارد و ریشه سبک شبکه‌ای نیز مساوات‌گرایی^۱ است (میلن^۲، ۲۰۰۸: ۲۱).

در حکومت‌داری سلسله‌مراتبی، تعامل به صورت عمودی، رسمی و بر اساس قدرت دولت شکل می‌گیرد. در این مدل، دولت اهمیت بسزایی دارد و تلاش او بر این است که تعاملات را از طریق قانون‌گذاری‌ها و روابط رسمی بسازد (حاجی‌حسینی و دیگران، ۱۳۹۰: ۳۶ و ۳۷). در چنین اوضاعی بخش‌هایی که تغییر نمی‌کنند، به مرور قدیمی می‌شوند و بخش‌هایی که فقط اثرپذیر هستند، به مرور استقلال خود را از دست می‌دهند (الوانی، ۱۳۸۸: ۳).

حکومت‌داری ذاتاً دارای تعامل دولت و مردم است. حکومت‌داری ناظر به کارآمدی آن، عملکرد نهادی و کیفیت اداره در سطح جامعه است (ساعی و کبیری، ۱۳۹۱: ۴۱). دولت در حکومت‌داری بازاری نقش زیادی ایفا نمی‌کند، بلکه تعاملات میان بازیگران بر مبنای همان عرضه و تقاضا و بدون دخالت او شکل می‌گیرد (حاجی‌حسینی و دیگران، ۱۳۹۰: ۳۶ و ۳۷). در این حالت است که دیوان‌سالاری دولتی چندان مؤثر نبوده و بیشتر دنبال منافع شخصی خواهند بود تا منافع عمومی (کایر و دیگران، ۱۳۸۶: ۴۹-۵۲). موضوع حکومت‌داری اولین بار در سال ۱۹۸۹ در گزارش بانک جهانی منتشر شد (لفت‌ویچ^۳، ۲۰۰۶: ۱۶۹).

متفکران رشته علمی مدیریت دولتی در مورد جایگاه مفهوم حکومت‌داری در حوزه دانشی مدیریت دولتی بر این باورند که حکومت‌داری یک پارادایم یا شبه پارادایم در این حوزه دانشی است. برخی منتقدان نگاهی بدبینانه به مفهوم حکومت‌داری دارند. آنان معتقدند حکومت‌داری صرفاً اصطلاحی تخصصی است. با وجود این، برخی دیگر بر این باورند که چون بکارگیری بیش

1. Egalitarianism

2. Meuleman

3. Leftwich

نشریات دانشگاه جامع امام حسین (علیه‌السلام)

از حد این مفهوم سبب کلیشه‌ای شدنش شده است، تبیینی منسجم از مفهوم حکومت‌داری ضروری و مهم به شمار می‌آید.

مباحث مربوط به حکومت‌داری در زمینه‌ها و رشته‌هایی متنوع، شامل مطالعات توسعه، اقتصاد، جغرافیا، روابط بین‌الملل، برنامه‌ریزی، علوم سیاسی، مدیریت دولتی و جامعه‌شناسی دنبال می‌شود، اما با وجود این گستردگی، توجهی اندک به فهم کامل ادبیات حکومت‌داری معطوف بوده است (بور، مارک، ۱۳۹۷: ۷۱). در ادامه ۸ نقد اصلی که می‌توان به شیوه حکومت‌داری در غرب وارد دانست، بیان می‌شود (حجازی‌فر، ۱۳۹۴: ۶۵):

۱. در الگوهای حاکمیتی غربی، عمده توجه به مسائل دنیوی است و در واقع الگوهای این جهانی هستند که در مورد مسائل اخروی و سعادت ابدی انسان‌ها سکوت کرده‌اند؛ در صورتی که مسائل اخروی و سعادت ابدی نسبت به مسائل دنیوی و این جهانی اولویت بالاتری دارند.
۲. در الگوهای حاکمیتی غربی، قوانین و قواعد، بشری هستند؛ در صورتی که لازم است قوانین و قواعد، بر مبنای احکام و شریعت الهی تنظیم گردند.
۳. موضوع محوری در الگوهای حاکمیتی غربی، اقتصاد و مسائل توسعه مادی است و نسبت به پیشرفت در زمینه‌های دیگر، از جمله پیشرفت و رشد معنوی غفلت شده است.
۴. حمایت از مظلومان و مستضعفان حتی خارج از مرزهای کشور، موضوع دیگری است که در منابع اسلامی به آن تأکید زیادی شده است؛ در صورتی که در الگوهای حاکمیتی غربی توجهی به این امر نشده است.
۵. در الگوهای حاکمیتی غربی، ارتباط نقش آفرینان مبتنی بر مبادله با سلسله‌مراتب یا منافع مشترک است، در صورتی که در حاکمیت اسلامی، ارتباط بر پایه اخوت ایمانی و احسان به یکدیگر است. در واقع ارتباطات در الگوهای حاکمیتی غربی در سطح پایینی قرار دارد، در صورتی که در نگاه اسلامی این ارتباطات در سطح بالاتری قرار دارند.
۶. نحوه مواجهه با مخالفان و دشمنان در الگوهای حاکمیتی غربی به صورت جدی پرداخته نشده است؛ در صورتی که در حاکمیت اسلامی جهاد با دشمنان اسلام، یکی از ارزش‌های محوری است.

۷. یکی از مؤلفه‌های برتری حاکمیت‌ها نسبت به یکدیگر، مسأله علم و رشد علمی است که اسلام نیز تأکید ویژه‌ای روی آن دارد؛ در صورتی که در الگوهای حاکمیتی غربی به این موضوع توجه ویژه‌ای نشده است.
۸. موضوع صداقت هم از موضوعات بسیار مهمی است که در سطح فردی، اجتماعی و حاکمیتی در منابع اسلامی مورد تأکید قرار گرفته است؛ در صورتی که این موضوع در الگوهای حاکمیتی غربی مورد غفلت قرار گرفته شده است. صداقت در سطح حاکمیت، شامل اخلاص، راستگویی، عمل به وعده‌ها، پرهیز از خیانت و فریب و وفای به عهد‌ها و پیمان‌ها می‌شود که در الگوهای حاکمیتی غربی به آن‌ها توجه نشده است.

ابعاد حکومت‌داری

نکته مهمی که لازم است به آن اشاره شود، این است که در تبیین هر مکتب در حوزه حکومت‌داری، نظریه‌پردازان چه مؤلفه‌هایی را در تبیین و تشریح آن در نظر گرفته‌اند. اهمیت این بخش از آن جهت است که وقتی بخواهیم الگوی حکومت‌داری از منظر اندیشه امام خمینی (رحمة‌الله) ارائه شود، باید پاسخگوی کدام سؤالات اساسی در حوزه حکومت‌داری باشد. به عبارت دیگر اگر بخواهیم الگویی در مدیریت دولتی مطرح نماییم، می‌بایست چه مؤلفه‌هایی داشته باشد تا اطلاق الگوی حکومت‌داری به آن درست باشد؟ در زیر به برخی از دیدگاه‌های مطرح شده پیرامون این موضوع می‌پردازیم.

دنهارت و دیگران (۲۰۰۰)، به منظور تبیین الگوی خدمات عمومی نوین، این الگو را در قالب مؤلفه‌هایی با دو الگوی اصلی دیگر، یعنی مدیریت دولتی نوین و اداره عمومی سنتی مقایسه نموده‌اند. این مؤلفه‌های ۱۰ گانه شامل: مبانی نظری و معرفت‌شناختی اولیه، معقولیت غالب و مدل‌های مرتبط رفتار انسانی، تصور از منفعت عامه، کارمندان دولت پاسخگوی چه کسانی هستند، نقش حکومت، سازوکار دستیابی به اهداف خط‌مشی، رویکرد به مسئولیت، صلاح‌دید اداری، ساختار سازمانی مفروض و مبنای انگیزشی مفروض برای کارمندان دولت و مدیران دولتی است.

کلی و دیگران (۲۰۰۲)، در یادداشتی - که برای کابینه انگلیس آماده شده است - سه رویکرد مختلف نسبت به مدیریت دولتی را با یکدیگر مقایسه می‌کنند. در نهایت ایشان به ابعاد پنج‌گانه‌ای اشاره می‌کنند. هدف عینی عملکرد، نظام تفویض اختیار، نوع نگاه به عادات و رسوم خدمات

عمومی، نقش مشارکت عمومی و هدف دولتمردان، ابعاد و چارچوب مد نظر کلی و همکاران او است.

وی گودا (۲۰۰۲) مدیریت دولتی و نحوه تعامل شهروندان را در یک زنجیره مداوم تکاملی تصویر کرده است. در این زنجیره او از پنج نسل مختلف مدیریت دولتی - از نسل قدیم تا جدید - سخن به میان آورده است و به ابعادی اشاره می‌کند که شامل نقش شهروندان (مردم)، نقش حکومت و مدیریت دولتی و رابطه بین حاکمیت و شهروندان می‌شود. ازبورن (۲۰۰۶) در یادداشتی که به عنوان یادداشت سردبیر منتشر شده است، به مقایسه مؤلفه‌های سه مکتب مشهور مدیریت دولتی پرداخته است. ازبورن با هفت مؤلفه - که بیشتر رویکردی نظری دارند تا عملیاتی - سه مکتب مورد اشاره را با یکدیگر مقایسه می‌کند. ریشه‌های نظری، ماهیت دولت، تمرکز، تأکید، رابطه با شرکای سازمانی بیرونی (غیردولتی)، سازوکار حکمرانی و مبانی ارزشی، ابعاد ۷ گانه مد نظر ازبورن است.

استوکر (۲۰۰۶) مقایسه مکاتب سه گانه مذکور را با استناد به پژوهش کلی و دیگران آغاز می‌کند و در اولین اقدام، همان پارادایم‌های مدیریتی مورد اشاره او را مرور می‌نماید. ۶ مؤلفه مد نظر استوکر، اهداف کلیدی، نقش مدیران، تعریف از منافع عمومی، عادات و رسوم خدمات عمومی، سیستم مرجع خدمت‌رسانی و مشارکت در فرایند دموکراتیک است.

أفلین (۲۰۰۷) تنها به مقایسه دو مکتب «مدیریت دولتی نوین» و «مدیریت ارزش عمومی» پرداخته است. او در این دو مکتب، ۶ مؤلفه را بیان می‌کند: توصیف، دامنه تمرکز، اهداف مدیریتی، تعریف از منفعت عامه، هدف عملکرد و مدل غالب مسئولیت. زو و دیگران (۲۰۱۵) در مجموع برای تبیین مکاتب مورد بررسی، ۵ مؤلفه جهت‌گیری ارزشی، مبانی نظری، رفتار، نقش شهروند و روش پژوهش را مطرح نموده است.

ویزل و مودل (۲۰۱۴) در پژوهش خود به بررسی سه نوع منطق حکمرانی پرداخته‌اند و در نهایت، به ۶ مؤلفه کلیدی در تشریح مدل حکومت‌داری اشاره نموده‌اند: تصور از منافع شهروندان، ترجیح قانونی اصلی، ساختارها و اشکال سازمانی، وظیفه اصلی ادارات دولتی، تمرکز اصلی در کنترل، جنبه‌های عملکردی کلیدی. نی آوری و موشیو (۲۰۱۴) به ۸ مؤلفه در پژوهش خود اشاره نموده‌اند. این ۸ مؤلفه، شامل: شرح، تمرکز اصلی، اهداف مدیریتی، تعریف از «منفعت عمومی»،

اهداف عملکردی، دامنه مدل مسئولیت (شفافیت)، سیستم ارائه مرجع و ارتباط نظام ارزیابی عملکرد است.

بنینگتون (۲۰۱۱) نیز در مقاله‌ای که به عنوان فصلی از کتاب به چاپ رسیده است، سه مکتب مدیریت دولتی را با ۸ مؤلفه مختلف مقایسه می‌کند. او در پژوهش خود به مؤلفه‌های بستر، جمعیت، نیازها/مشکلات، راهبرد، حکمرانی از طریق، تنظیم‌گری، نقش آفرینان و نظریه اشاره نموده است. براینس و دیگران (۲۰۱۴) در مقاله خود با مقایسه نظرات دنهارت، کلی، استوکر و بویت، ۱۵ مؤلفه را بیان کرده‌اند: شرایط مادی و ایدئولوژیک، مبانی نظری و معرفت‌شناختی، دیدگاه حاکم بر معقولیت و مدل رفتار انسان، تعریف از کالای عمومی، ارزش مشترک، منافع مشترک، نقش سیاست‌ها، نقش شهروندان، نقش ادارات دولتی، اهداف کلیدی، ارزش‌های کلیدی، سازوکار دستیابی به اهداف خط‌مشی، نقش مدیران عمومی، رویکرد به مسئولیت و مشارکت در فرایند دموکراتیک، مؤلفه‌های مورد اشاره براینس می‌باشد.

از مجموع مطالعات فوق، ۱۱ سؤال و بعد اصلی استخراج می‌شود که در انتهای پژوهش و برای ترسیم الگوی حکومت‌داری باید به آن اشاره شود. در جدول زیر به این موضوع اشاره خواهد شد.

جدول ۱. ابعاد و مؤلفه‌های حکومت‌داری

ردیف	ابعاد یا مؤلفه	سؤال‌هایی که باید برای تبیین الگوی حکومت‌داری پاسخ داده شود	منبع
۱	بستر علمی	این الگو مبتنی بر کدام رشته دانشگاهی به عنوان بستر علمی تکوین یافته است؟	ازبورن (۲۰۰۶)، بنینگتون (۲۰۱۱)، زو و دیگران (۲۰۱۵)
۲	مبانی نظری	این الگو بر چه مبانی نظری استوار است؟	دنهارت و دیگران (۲۰۰۰)، ازبورن (۲۰۰۶)، بنینگتون (۲۰۱۱)، براینس و دیگران (۲۰۱۴)، زو و دیگران (۲۰۱۵)
۳	بستر جامعه‌شناختی	این الگو جامعه را چگونه تحلیل می‌کند و در چه بستر جامعه‌شناختی و نظام اجتماعی شکل گرفته است؟	بنینگتون (۲۰۱۱)، براینس و دیگران (۲۰۱۴)
۴	هدف دولت	الگوی ارائه شده، هدف دولت و دولتمردان را	کلی و دیگران (۲۰۰۲)، استوکر

ردیف	ابعاد یا مؤلفه	سؤال‌هایی که باید برای تبیین الگوی حکومت‌داری پاسخ داده شود	منبع
		نسبت به مردم جامعه چه می‌داند؟	(۲۰۰۶)، اُفلین (۲۰۰۷)، بنینگتون (۲۰۱۱)، برایسن (۲۰۱۴)، نیآوری و موشیو (۲۰۱۴)، ویزل و مودل (۲۰۱۴)
۵	بازیگران اصلی و نقش آفرینان	بازیگران اصلی و نقش آفرینان مدیریت دولتی در این الگو، چه افراد یا گروه‌هایی هستند؟	دنهارت (۲۰۰۰)، ازبورن (۲۰۰۶)، بنینگتون (۲۰۱۱)، ویزل و مودل (۲۰۱۴)
۶	شیوه تنظیم‌گری	شیوه تنظیم‌گری در الگوی حکومت‌داری چگونه است؟	کلی و دیگران (۲۰۰۲)، وی گودا (۲۰۰۲)، استوکر (۲۰۰۶)، بنینگتون (۲۰۱۱)، برایسن و دیگران (۲۰۱۴)، نیآوری و موشیو (۲۰۱۴)، ویزل و مودل (۲۰۱۴)
۷	ارزش‌های محوری	محوری‌ترین ارزش در اداره امور عمومی از نظر این الگو کدام ارزش / ارزش‌ها است؟	ازبورن (۲۰۰۶)، برایسن و دیگران (۲۰۱۴)، زو و دیگران (۲۰۱۵)
۸	نقش آفرینی مردم در دولت	از نظر این الگو، نحوه ایفای نقش مردم در برنامه‌های دولت چگونه است؟	کلی و دیگران (۲۰۰۲)، وی گودا (۲۰۰۲)، برایسن و دیگران (۲۰۱۴)، زو و دیگران (۲۰۱۵)
۹	تعریف مردم	مردم از نظر این الگو چه جایگاه و نقشی دارند؟	دنهارت (۲۰۰۰)، وی گودا (۲۰۰۲)، استوکر (۲۰۰۶)، اُفلین (۲۰۰۷)، برایسن (۲۰۱۴)، نیآوری و موشیو (۲۰۱۴)، ویزل و مودل (۲۰۱۴)
۱۰	نقش دولت	دولت از نظر این الگو چه نقشی دارد؟	دنهارت (۲۰۰۰)، وی گودا (۲۰۰۲)، ازبورن (۲۰۰۶)، استوکر (۲۰۰۶)، اُفلین (۲۰۰۷)، برایسن (۲۰۱۴)، ویزل و مودل (۲۰۱۴)

ردیف	ابعاد یا مؤلفه	سؤال‌هایی که باید برای تبیین الگوی حکومت‌داری پاسخ داده شود	منبع
۱۱	مبنای انگیزشی نقش‌آفرینان	در این الگو، مبنای انگیزشی نقش‌آفرینان برای فعالیت در جهت نیل به اهداف چیست؟	دنه‌ارت (۲۰۰۰)، برایسن و دیگران (۲۰۱۴)

پیشینه پژوهش‌های صورت گرفته در حوزه حکومت‌داری از منظر دانشمندان اسلامی

یکی از مدل‌های ارائه شده، مدل مدینه فاضله آیت‌الله جوادی آملی است. ایشان با تکیه بر مکتب جامع اسلام، ضمن نمایاندن (و نه خلق) آرمان شهر موعود اسلام که آرمان شهر مهدوی هم نام دارد، به تبیین مدل حکومت اسلامی می‌پردازد. در نظر وی جامعه‌ای اهل سعادت است که از تهذیب روح نشأت گرفته و بهره‌مند باشد و جامعه یا ملتی سقوط کرده است که از این بارقه الهی محروم باشد. ایشان معتقدند بهترین راهی که انبیا (علیهم‌السلام) انتخاب کرده‌اند، این است که انسان را در مقاطع گوناگون فاضل به بار آورده‌اند. انسان‌های فاضل، جامعه فاضل و مدینه فاضله را می‌سازند (افزادی، ۱۳۹۲: ۸۰). حجازی‌فر (۱۳۹۶)، در پژوهش خود مؤلفه‌های حاکمیت اسلامی از منظر نهج‌البلاغه را شامل: احسان و اخوت، رشد و هدایت، شریعت، وحدت و انسجام، همیاری و مشارکت، میانه‌روی و اعتدال، مبارزه با فساد، عدالت، شفافیت، صداقت، مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی، تبعیت و ولایت‌پذیری، روشنگری و بصیرت‌افزایی، امنیت، حمایت از مظلومان و محرومان، حکمت و عقلانیت، تولی و تبری، تأمین معیشت و رفاه مردم و آبادی و پیشرفت ذکر کرده است.

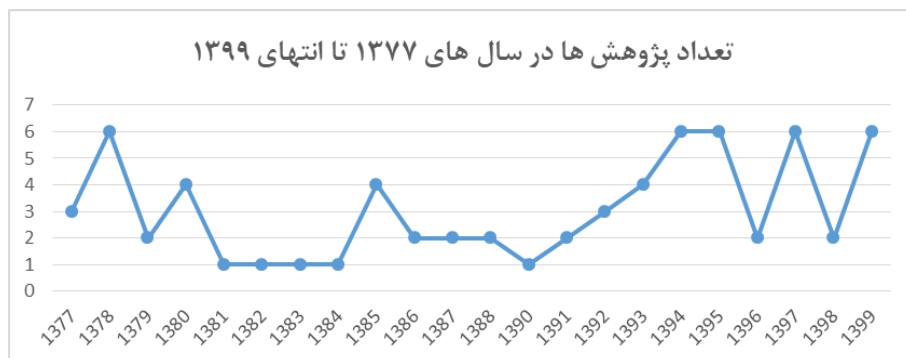
سیدطباطبایی (۱۴۰۰) در رساله دکتری خود، چارچوبی ۱۶ گانه، شامل: حفظ نظام ولایت، افزایش ایمان (بصیرت)، ارتقای عمل (صبر، استقامت)، تبیین مکتب و آرمان‌های آن، مبارزه حاد سیاسی پیوسته و منسجم با امت، پیشروی و پیشبری، مشارکت فعال در تمامی عرصه‌ها، تقویت جبهه حق و تضعیف باطل، مدیریت جهادی، روحیه انقلابی و جهادی، تحقق آرمان توحید، خداوند متعال تعیین‌کننده سیاست‌ها، پاسخگویی، مطالبه‌گری، گفت‌وگو سازی و کمک به تحقق

آرمان‌ها، بسیج مردمی، مردم‌سپاری، تبیین روشنگری، آگاهی‌بخشی و بصیرت‌افزایی، به عنوان ابعاد و مؤلفه‌های حکومت‌داری از منظر آیت‌الله خامنه‌ای ترسیم کرده است. رهنورد (۱۳۸۸)، ضمن بررسی نظرات اندیشمندان تشیع، چنین بیان می‌کند که در اسلام فلسفه تشکیل حکومت ایجاد زمینه رشد و تعالی انسان است. ایشان ویژگی‌های حکومت‌داری مهدوی را شامل مؤلفه‌های، دانش‌گرایی، فنون‌گرایی الهی، رفاه‌گرایی، تعالی‌جویی، جهان‌شمولی، عدالت‌گرایی و مساوات، توسعه‌گرایی و سازندگی و امنیت‌گرایی تبیین می‌کنند.

بررسی حکومت‌داری از منظر امام خمینی (رحمة‌الله) در پژوهش‌های پیشین

حسین پور و دیگران (۱۳۹۹) طی پژوهشی با استفاده از روش فراترکیب، مجموع ۹۷ پژوهش را مورد بررسی قرار دادند. در پژوهش ایشان، ۶۷ پژوهش مورد مطالعه دقیق قرار گرفت. در مجموع، ۱۴ مؤلفه استخراج گردید. این پژوهش‌ها از چهار منظر و رشته علمی پیرامون اندیشه امام به موضوع اداره جامعه پرداختند. رشته‌های علمی علوم سیاسی، حقوق اساسی، فقه و مبانی دینی و مدیریت دولتی، رویکردهای پرداخت مسأله بودند.

۳۷ پژوهش از منظر دانش علوم سیاسی، ۴ پژوهش از منظر دانش حقوق اساسی، ۶ پژوهش از نظر دانش مدیریت دولتی و ۴۰ پژوهش از نظر دانش علوم دینی وجود دارد. شایان ذکر است مجموعه مؤلفه‌های استخراج شده در این پژوهش‌ها ۱۴ مورد بود که شامل قانون الهی و قانون‌گرایی، جمهوریت، نقش محوری ولی فقیه، عدالت، آزادی، نظارت و پاسخگویی، تربیت و تأمین سعادت بشر، وحدت، استقلال، خدمتگزاری، عقلانیت، امنیت و رفاه و مبارزه با فساد می‌باشد. نکته حائز اهمیت پیرامون پژوهش ما این است که در هیچ یک از پژوهش‌های صورت گرفته، یعنی ۹۷ پژوهش مورد مطالعه، جامعیت نگاه از منظر رشته مدیریت دولتی و اندیشه امام لحاظ نشده و مؤلفه‌ها به صورت پراکنده و مجزا از هم بیان شده است. بنابراین نمی‌توان گفت الگوی حکومت‌داری از منظر اندیشه امام در پژوهش‌های گذشته ارائه شده و تبیین جامعی از ابعاد و مؤلفه‌های اداره جامعه از منظر دانش مدیریت دولتی صورت گرفته است.



نمودار ۱. نمودار فراوانی پژوهش از منظر اندیشه امام خمینی (رحمة الله) در موضوع حکومت‌داری (حسین پور و دیگران، ۱۳۹۹)

روش پژوهش

از آن‌جا که در پژوهش حاضر به دنبال بررسی داده‌های متنی باقی مانده از امام خمینی (رحمة الله) - که در قالب بیانات، پیام‌ها، نامه‌ها و... است - هستیم، مبنای پژوهش بررسی کتاب ۲۱ جلدی صحیفه امام (رحمة الله) قرار گرفت و در انتها، دلالت‌های نظری ایشان را در موضوع حکومت‌داری تشریح خواهد شد. بنابراین می‌توان گفت پژوهش حاضر از نظر جهت‌گیری کاربردی، با رویکرد استقرایی، هدف اکتشافی و استراتژی منتخب تحلیل مضمون با شیوه گردآوری داده از طریق بررسی اسناد و کتابخانه‌ای است.

صحیفه امام خمینی (رحمة الله)، شامل: پیام‌ها، نامه‌ها، سخنرانی‌ها و احکام از سال ۱۳۳۱ لغایت ۱۳۶۷ است. با مطالعه متن صحیفه و طی کردن مراحل روش تحلیل مضمون، ۱۹۹ مضمون پایه، ۲۸ مضمون سازمان‌دهنده و ۱۱ مضمون فراگیر استخراج گردید. تحلیل بیانات و اندیشه حضرت امام خمینی (رحمة الله)، نشان می‌دهد ایشان دارای انسجام الگوی حکومت‌داری هستند و برای اداره جامعه دارای یک مدل مشخص هستند. البته فقه پویای مدنظر امام خمینی (رحمة الله)، می‌تواند متناسب با نیاز و شرایط جامعه، الگوی حکومت‌داری و اداره را تغییر دهد. این نکته را امام خمینی (رحمة الله) به صراحت در منشور روحانیت بیان می‌کند:

«خلاصه کلام اینکه ما باید بدون توجه به غرب حيله گر و شرق متجاوز و فارغ از دیپلماسی حاکم بر جهان، درصدد تحقق فقه عملی اسلام برآییم؛ و آلا مادامی که فقه در کتاب‌ها و سینه علما

مستور بماند، ضرری متوجه جهانخواران نیست و روحانیت تا در همه مسائل و مشکلات حضور فعال نداشته باشد، نمی‌تواند درک کند که اجتهاد مصطلح برای اداره جامعه کافی نیست. حوزه‌ها و روحانیت باید نبض تفکر و نیاز آینده جامعه را همیشه در دست خود داشته باشند و همواره چند قدم جلوتر از حوادث، مهیای عکس‌العمل مناسب باشند. چه بسا شیوه‌های رایج اداره امور مردم در سال‌های آینده تغییر کند و جوامع بشری برای حل مشکلات خود به مسائل جدید اسلام نیاز پیدا کنند. علمای بزرگوار اسلام از هم اکنون باید برای این موضوع فکری کنند» (صحیفه امام خمینی (رحمة‌الله)، ج ۲۱: ۲۹۲).

به منظور اعتبار بخشی به پژوهش، ۴ معیار اعتبارپذیری^۱، قابلیت اطمینان^۲، تأییدپذیری^۳ و انتقال‌پذیری^۴ در نظر گرفته شده است. خلاصه فعالیت‌های انجام شده ذیل چهار معیار به شرح زیر است:

جدول ۲. اعتبار پژوهش

معیار دقت علمی	فعالیت‌های پژوهش حاضر
اعتبارپذیری	در مرحله گردآوری و تحلیل داده‌ها: بررسی تمام متن صحیفه امام خمینی (رحمة‌الله) و نه بررسی بخش‌های منتخب
	در مرحله پالایش مضامین: تکیه به مضامین قوی و پر تکرار و کنار گذاشتن موارد ضعیف و کم تکرار
انتقال‌پذیری	استخراج مقایسه‌ای الگوهای حکومت‌داری در اندیشه‌های غربی در قالب مؤلفه‌های اصلی و تبدیل به سؤال‌هایی ذیل سؤال‌های فرعی پژوهش
	قابلیت مقایسه الگوی مستخرج با الگوهای موجود
اطمینان‌پذیری	انجام کلیه مراحل گردآوری و تحلیل داده‌ها توسط یک فرد آشنا به ادبیات حکمرانی و اندیشه و نظارت اساتید
	مقایسه مستمر با پژوهش‌های صورت گرفته

1. Credibility
2. Dependability
3. Confirmability
4. Transferability

فعالیت‌های پژوهش حاضر	معیار دقت علمی
توصیف شفاف از همه گام‌های پژوهش	
مراجعه به خبرگان و پژوهش‌های مرتبط در صورت ابهام	
استفاده از همه الفاظ مورد استفاده امام خمینی (رحمة‌الله) تا دید کاملی وجود داشته باشد	
توصیف تفصیلی همه گام‌های تحقیق	
مستند کردن کامل تبدیل متون مستخرج به مضامین	تأییدپذیری
ارائه کامل جداول کد گذاری شده	
حذف مضامین ضعیف و کم تکرار	
فرا ترکیبی از پژوهش‌های صورت گرفته مرتبط با موضوع (حکومت‌داری از منظر اندیشه امام خمینی (رحمة‌الله))	

یافته‌های پژوهش

تحلیل اندیشه امام خمینی (رحمة‌الله) در حکومت‌داری

به منظور تحلیل مجموعه بیانات، نامه‌ها، پیام‌ها و احکام امام خمینی (رحمة‌الله) در صحیفه، گزاره‌هایی با موضوع پژوهش از میان متون صحیفه امام خمینی (رحمة‌الله) انتخاب شد و مضامین پایه برای آن در نظر گرفته شد. برای نمونه، تعداد ۳۹ گزاره انتخاب گردید. مضامین مرتبط با این گزاره‌ها، ۱۸ مضمون پایه، ۳ مضمون سازمان‌دهنده و ۱ مضمون فراگیر را شامل می‌شود. به این صورت نشان داده می‌شود که هدف در حکومت‌داری در اندیشه امام خمینی (رحمة‌الله) به دو دسته هدف غایی و واسطه تقسیم می‌گردد.

مطابق با مضامین سازمان‌دهنده، هدف غایی برای حکومت، تحقق اسلام و عدالت در جامعه است، لکن امام (رحمة‌الله) برای رسیدن به این هدف غایی، هدف واسطی را تحت عنوان خدمت به مردم مطرح می‌کنند. در زیر جدول مربوط به فرآیند کد گذاری و استخراج مضامین آورده شده است.

جدول ۳. نمونه شکل‌گیری مضامین پایه از گزاره‌ها

ردیف	گزاره	مضامین پایه
۱	ملت عظیم‌الشان ایران! نهضت خود را ادامه داده و هرگز سستی به خود راه ندهید که نمی‌دهید. مطمئن باشید- به امید خدا- پیروزی و سرافرازی نزدیک است. هدف نجات ملت است، اجرای عدالت اسلامی و برقراری حکومت الهی بر پایه محکم عدل است.	اجرای عدالت اسلامی / نجات ملت / برقراری حکومت الهی بر پایه محکم عدل
۲	وصیت اینجانب به وزرای مسئول در عصر حاضر و در عصرهای دیگر آن است که علاوه بر آنکه شماها و کارمندان وزارتخانه‌ها بودجه‌ای که از آن ارتزاق می‌کنید مال ملت است، باید همه خدمتگزار ملت و بخصوص مستضعفان باشید؛ و ایجاد زحمت برای مردم و مخالف وظیفه عمل کردن، حرام و خدای نخواستگه، گاهی موجب غضب الهی می‌شود؛ همه شما به پشتیبانی ملت احتیاج دارید.	خدمتگزار ملت و بخصوص مستضعفان و جلب رضایت آنان
۳	اکنون که بحمدالله تعالی موانع رفع گردیده و فضای آزاد برای دخالت همه طبقات پیش آمده است، هیچ عذری باقی نمانده و از گناهان بزرگ نابخشودنی، مسامحه در امر مسلمین است. هر کس به مقدار توان و حیطة نفوذش، لازم است در خدمت اسلام و میهن باشد.	خدمت به اسلام و میهن
۴	پیغمبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) تشکیل حکومت داد، مثل سایر حکومت‌های جهان، لکن با انگیزه بسط عدالت اجتماعی و خلفای اول اسلامی حکومت‌های وسیع داشته‌اند و حکومت علی بن ابیطالب (علیه‌السلام) نیز با همان انگیزه، به طور وسیع‌تر و گسترده‌تر از واضحات تاریخ است. پس از آن، به تدریج حکومت به اسم اسلام بوده و اکنون نیز مدعیان حکومت اسلامی به پیروی از اسلام و رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) بسیارند.	بسط عدالت اجتماعی
۵	اینک که به توفیق و تأیید خداوند، جمهوری اسلامی با دست توانای ملت متعهد پایه‌ریزی شده و آنچه در این	تحقق محتوای اسلام و احکام اسلامی و حفظ و حراست از

مضامین پایه	گزاره	شماره
آن	حکومت اسلامی مطرح است، اسلام و احکام مترقی آن است، بر ملت عظیم الشان ایران است که در تحقق محتوای آن به جمیع ابعاد و حفظ و حراست آن بکوشند که حفظ اسلام در رأس تمام واجبات است.	
پیاده کردن مقاصد قرآن و سنت / تشکیل حکومت عدل / تعالی دین اسلام	ما مفتخریم که ائمه معصومین ما (صلوات الله و سلامه علیهم) در راه تعالی دین اسلام و در راه پیاده کردن قرآن کریم که تشکیل حکومت عدل یکی از ابعاد آن است، در حبس و تبعید به سر برده و عاقبت در راه براندازی حکومت‌های جائزانه و طاغوتیان زمان خود شهید شدند. ما امروز مفتخریم که می‌خواهیم مقاصد قرآن و سنت را پیاده کنیم.	۶
دفاع از اسلام و حزب الله	من بارها اعلام کرده‌ام که با هیچ کس در هر مرتبه‌ای که باشد، عقد اخوت نبسته‌ام. چهارچوب دوستی من در درستی راه هر فرد نهفته است. دفاع از اسلام و حزب‌الله، اصل خدشه‌ناپذیر سیاست جمهوری اسلامی است.	۷
هدف، حکومت اسلامی، عدالتخواه / هدف حکومت، تحقق اسلام و احکام عدالت پرور	سرلوحه هدف‌تان اسلام و احکام عدالت‌پرور آن باشد؛ و ناچار بدون حکومت اسلامی عدالت‌خواه، رسیدن به این هدف محال است.	۸
حرکت به سوی حکومت عدل الهی	با این تشکیلی که دارید، این وحدت کلمه‌ای که دارید که همه را با هم در یک محل جمع کرده است، ما را با شما در یک محل جمع کرده است، امیدوارم که وحدت روحی و وحدت عقیدتی داشته باشیم و همه در صف واحد به جلو برویم، به سوی حکومت عدل الهی	۹
حفظ اسلام و خدمت به محرومان و پابرهنگان	روحانیون متعهد کشور ما باید خودشان را برای فداکاری‌های بیشتر آماده کنند و در مواقع لزوم و ضرورت از آبرو و اعتبار خود برای حفظ آبروی اسلام و خدمت به محرومان و پابرهنگان استفاده نمایند.	۱۰

مضامین پایه	گزاره	ردیف
حکومت خدمتگزار مردم / تحقق حکومت عادل	باید ما دنبال بکنیم تا اینکه این نهضت را به آخر برسانیم و یک حکومت عادل در این‌جا باشد؛ یعنی یک حکومتی باشد که نخواهد جیب خودش را پر بکند؛ حکومتی باشد که خودش را از ملت بداند و خدمتگزار بداند، نه خودش را آقای ملت بداند.	۱۱
خدمت به ملت و مردم	شما نظرتان به این باشد که تکلیف شرعی الهی خودتان را که مقامی را دارید و باید با این مقام خدمت کنید. این آلت است برای خدمت به مردم، خودش چیزی نیست! اگر خدمت به مردم کردید، مقام برای شما صلاحیت دارد و خوب است و اگر نشد، مقام چیزی نیست.	۱۲
رسیدگی به درد مردم / حکومت عدل اسلامی	یک حکومت عدل اسلامی [می‌خواهد] که به درد مردم برسد.	۱۳
تشکیل حکومت اسلامی و تشکیلات اسلامی بر مبنای عدالت	مذهب اسلام مثل مذهب مسیح نیست که راجع به حکومت و راجع به اداره مملکت دستوری نداشته باشد یا اگر داشته باشد، به مسیحیان نرسیده باشد. اسلام حکومت دارد و حکومتش همان نحوی که حکومت‌های دیگری هست و تشکیلات دارد، تشکیلات دارد؛ لکن تشکیلاتی که تمامش بر مبنای عدالت است.	۱۴
حکومت عدل / حکومت عدل مقابل جور	زندگی همه انبیای عالم، همه انبیا از اول، از آدم تا به حال، این معنا بوده است که در مقابل جور، می‌خواستند حکومت عدل را درست کنند.	۱۵

به همین ترتیب، گزاره‌های مرتبط انتخاب شد و مضامین پایه به آن تعلق گرفت. در مجموع، ۱۹۹ مضمون پایه، ۲۸ مضمون سازمان‌دهنده و ۱۱ مضمون فراگیر استخراج گردید و تک گذاری شد. جدول زیر، مجموعه مضامین تهیه شده را به نمایش گذاشته است.

جدول ۴. شبکه مضامین پژوهش

مضامین فراگیر	مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه
بستر علمی	فقه اسلامی (شیعه)	فلسفه اسلامی / فقه عملی راهگشای حکومت‌داری / فقه پویا نیاز امروز جامعه / فقه شیعه برای استخراج احکام حکومت‌داری / فقه عملی اسلام
مبانی نظری	اسلام ناب محمدی	نفی اسلام امریکایی / اسلام پابرهنگان و محرومان / جهان‌بینی الهی / نفی اسلام مقدس‌نماهای متحجر / نفی اسلام سرمایه‌داران خدانشناس و اسلام مرفهان بی‌درد / اسلام رفع‌ایادی اجانب / نفی تحجر و واپس‌گرایی / نفی اسلام سلطنتی و اسلام سرمایه‌داری / نفی اسلام التقاطی
	نظریه ولایت‌فقیه	پرچم‌داری و محور بودن ولایت‌فقیه / جایگاه ولایت‌فقیه در اداره کشور و هدایت اسلامی حکومت / ولایت مطلقه فقیه
زمینه‌های جامعه‌شناختی	تربیت و رشد	لزوم جامعه رشد یافته / مسیر تربیتی غلط در نظام غیراسلامی / جامعه عقب‌مانده / مخالف رسالت حکومت اسلامی / تربیت، دستور کار حکومت اسلامی / لزوم بیداری ملت / تزکیه، تعلم و حکمت نیاز جامعه انسانی / تربیت انسانی ماهیت زندگی اجتماعی انسان / لزوم اصلاح و تربیت دولت و دولت‌مردان برای اصلاح و تربیت جامعه / حکومت اسلامی برای تربیت انسان / ارزش‌گذاری انسانی در حکومت اسلامی / تربیت ماهیت بعثت انبیا به دلیل نیاز اجتماعی بشر / حکومت تربیت‌کننده جامعه / تربیت افراد و جامعه و انسان / انحصار تربیت صرفاً در دست حکومت اسلامی و نه در دست حکومت مادی / تربیت مردم همان خدمت به مردم / نگاه تربیتی به جامعه در حکومت اسلامی / انسان سعادت‌مند، آرمان نظام اسلامی / احکام اجتماعی اسلام برای تربیت / لزوم تشکیل نظام تربیتی برای حکومت / نظام تربیت معنوی و مادی در جامعه
هدف دولت	تحقق اسلام و تحقق عدالت در جامعه	هدف حکومت، تحقق اسلام و احکام عدالت پرور / هدف، حکومت اسلامی عدالتخواه / آمال پیاده شدن احکام اسلام / حفظ اسلام و احکام اسلام / حکومت حضرت رسول برای ایجاد عدالت / پیاده‌سازی احکام اسلامی بین مسلمین / هدف، نجات ملت، اجرای عدالت اسلامی و حکومت الهی بر پایه

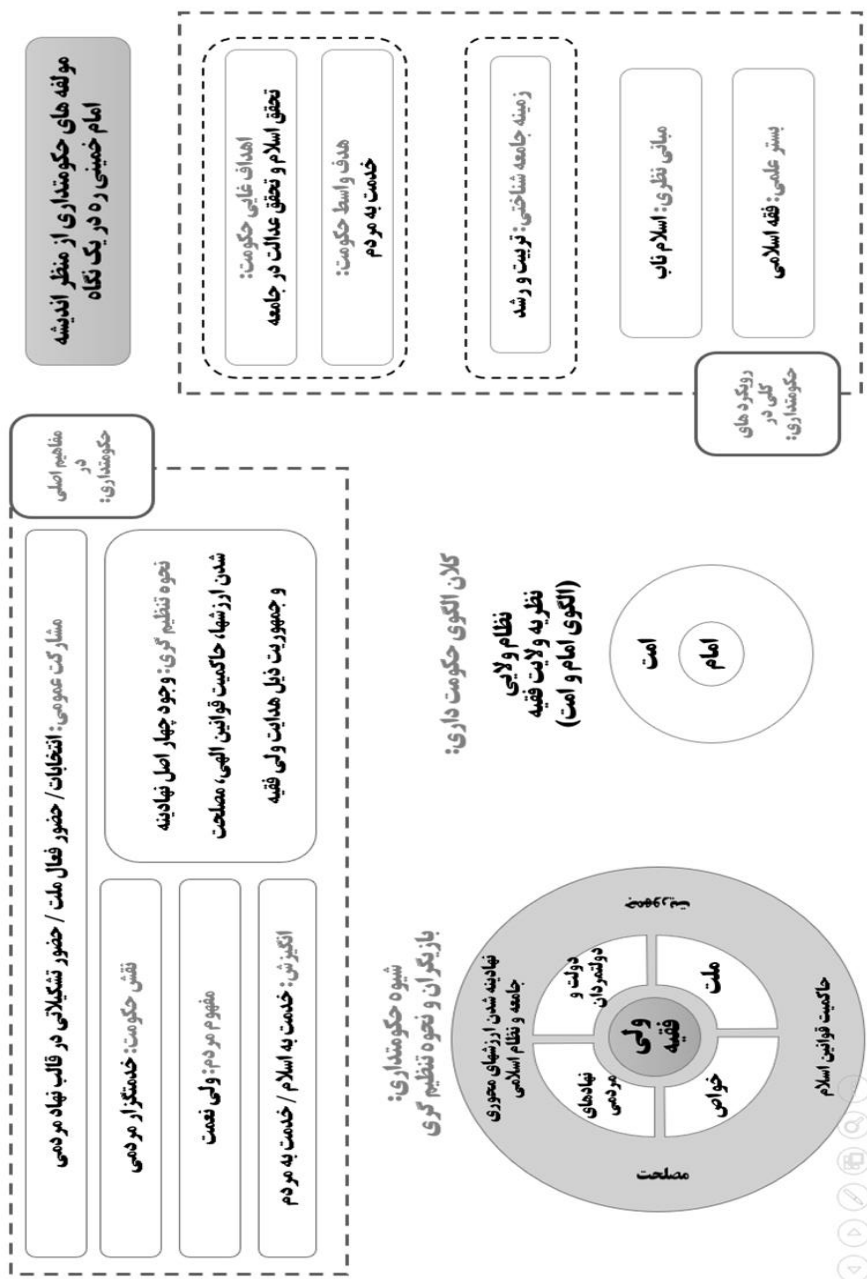
مضامین فراگیر	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین پایه
	(اهداف غایی)	محکم عدل / احیای هویت اسلامی مسلمانان / حکومت اسلام، تشکیلاتی بر مبنای عدل / تحقق حکومت عدل / حکومت الهی بر پایه محکم عدل / ایجاد عدالت در جامعه / حکومت عدل الهی / تحقق نظام اسلامی / حکومت کامله اسلامی / حکومت عدل اسلامی /
	خدمت به مردم (هدف واسط)	خدمت‌گزار ملت / خدمت به مردم و مستضعفان / خدمت به مردم، تکلیف شرعی
	ولایت فقیه	نظارت و هدایت فقیه / محوریت ولایت فقیه / مصلحت نظام بر عهده ولی فقیه ولایت فقیه کنترل‌کننده نظام / حکومت به معنای ولایت مطلقه فقیه در جمهوری اسلامی / احکام ثانویه و نظارت بر احکام اولیه بر عهده ولایت فقیه / نیازمندی جامعه به احکام حکومتی
بازیگران اصلی و نقش‌آفرینان	دولت و دولتمردان	مسئولین دولت جمهوری اسلامی، نمایندگان واقعی مردم / حرکت دولت و مسئولین نظام در راه اسلام / مسئولین برای خدمت به مردم
	ملت	نقش کلیدی مردم / ملت فداکار / پشتیبانی مردم از دولت و قوای مسلح / توانایی ملت بر حفظ از شرایط بحرانی / خدمت بی‌توقع مردم به اسلام و نظام / مردم پشتیبان دولت و مسائل آن / رمز پیروزی، حمایت مردم برخلاف زمان حضرت امیرالمؤمنین و پیامبر در برهه‌های خاص / فداکاری مردم برای اهداف نظام / زمینه‌سازی ورود مردم به اداره امور توسط دولت / سیاست یعنی رابطه میان حاکم و ملت / پشتیبانی ملت از نظام به عنوان عنصر اصلی مبارزه با استکبار / حکومتی که خودش را از ملت بداند / تأکید بر پشتیبانی ملت از نظام
بازیگران اصلی و نقش‌آفرینان	نهادهای مردمی	تشکل بسیج برای تحقق هدف نظام / جایگاه مسجد به عنوان نهاد تأثیرگذار در حکومت‌داری / شمولیت بسیج به کل جهان اسلام / اهمیت به نقش‌آفرینی انجمن‌های اسلامی خارج از کشور / ایستادگی در برابر شرق و غرب با بسیج / ایجاد حکومت بزرگ اسلامی به دست بسیجیان / انحصار مقابله با نفوذ فقط با نهاد مردمی (بسیج) / ضرورت تشکیل نهاد مردمی (بسیج دانشجو و طلبه) برای تحقق اهداف نظام / موفقیت مسئولین در تحقق اهداف نظام در گرو حمایت از نهاد مردمی / وعده عذاب برای مسئولین کشور در عدم حمایت از نهاد مردمی

مضامین فراگیر	مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه
	خواص	روحانیون پرچم دار حرکت ملت در نظام / دانشجویان مقیم خارج از کشور به عنوان مخاطبین دائمی امام در تحقق اهداف نظام / نقش آفرینی طلاب، مراجع، مدرسین حوزه و ائمه جمعه در حکومت داری / لزوم راهنمایی و هدایت ارکان نظام توسط مجتهدین / لزوم حضور فعال بانوان در عرصه نظام / دبدارهای مکرر با مداحان، علما، دانشجویان، اساتید دانشگاه و معلمان و تبیین اهداف / نظام و لزوم نقش آفرینی آنان / لزوم نظارت روحانیون بر برنامه ریزی های کشور
نحوه تنظیم گری	جمهوریت	لزوم و عقلانی بودن اختیاردار بودن مردم در کشور / تأکید بر آرای مردم و تعیین سرنوشت خودشان / لزوم نظارت مردم بر عملکرد مسئولین نظام / سرنوشت مردم به دست خودشان دارای منطق عقلی و مبتنی بر شعور انسانی / اتکای جمهوری اسلامی بر آرای ملت / لزوم نقش آفرینی و اختیار مردم یک مسأله عقلی برای حکومت / تعیین نظام سیاسی با آرای خود مردم / تقدیر مکرر امام (رحمة الله) از مردم برای حضور مردم در انتخابات / جمهوری اسلامی همان جمهوری است با قوانین اسلام / لزوم مشارکت مردم در نظام به عنوان شأنی از جمهوریت / آگاهی، مشارکت و نظارت مردم در کشور / پشتیبانی دولت از مردم و مردم از دولت / عدم موفقیت دولت بدون حضور مردم / آزادی مردم در انتخابات / حکومت تابع آرای ملت / الگوگیری جمهوریت از رویه پیامبر و امام علی (علیه السلام) / لزوم نقد و استیضاح مسئولین توسط مردم / عدم جواز شرعی برای عدم دخالت مردم در حکومت / وظیفه حکومت به عمل بر مبنای آراء مردم / اصل نظام بودن شعار جمهوری اسلامی / وظیفه حکومت به عمل بر مبنای آراء مردم (حاکم بودن آراء ملت در حکومت) /
نحوه تنظیم گری	حاکمیت قوانین الهی / اسلام	در حکومت اسلامی، قانون اسلامی حکومت می کند / حکومت صدر اسلام معصومین بر مبنای حکومت قانون / انتخاب جمهوری اسلامی و حاکمیت قوانین خدا توسط مردم / دین اسلام همان قانون اساسی / پیاده شدن قانون اسلامی در جامعه / حکومت قانون بودن حکومت اسلامی / منشأ صدور قوانین، قوانین اسلام / پذیرش حاکمیت قوانین اسلام توسط مردم و نظام / حکمفرما بودن حاکمیت خدا و حکم خدا از طریق قانون اسلام / تابع بودن

مضامین فراگیر	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین پایه
		حکومت اسلامی (جمهوری اسلامی) از قوانین الهی اسلام
	مصلحت	مصلحت نظام / مصلحت کشور / صلاح مردم / صلاح ملت
	نهادینه شدن ارزش‌ها	لزوم آزادی مردم در انتخابات / نهادینه شدن روحیه جهاد و شهادت‌طلبی در جامعه / لزوم لحاظ ارزش‌های اسلامی در برنامه‌ریزی کشور / وجود ارزش‌های اسلامی و عقلانیت در جامعه مانع فساد و تحت ستم قرار گرفتن
ارزش‌های محوری	وحدت	لزوم وجود وحدت کلمه در کشور / پیروزی و موفقیت نظام در گرو وحدت کلمه / رمز بقا و پیروزی نظام، با اجتماع ملت / لزوم وحدت برای مسئولین نظام / وحدت میان مردم و مسئولین / لزوم وحدت میان مسلمانان برای بازدارندگی از دشمنان مشترک / تحقق شعار نه شرقی و نه غربی / مردم خواستار آزادی و استقلال / وحدت کلمه مسلمین / تشکیل جبهه واحد و متحد
	استقلال و آزادی	تشکیل نظامی مبتنی بر ارزش نه شرقی و نه غربی / لزوم خودکفایی برای نظام / عدم تسلط بیگانگان بر کشور / عدم وابستگی سیاسی و نظامی و استقلال اقتصادی / لزوم استقلال فکری اندیشمندان / آزادی جناح‌های سیاسی در اظهار عقاید / تحصیل استقلال و آزادی ذیل هدف برقراری جمهوری اسلامی / لزوم آزادی در حدود قوانین اسلام / لزوم زندگانی مردم مبتنی بر آزادی / حکومت اسلامی یعنی آزادی، یعنی استقلال / آزادی مردم در برابر نقد مسئولین نظام
	عدالت	خدمت‌رسانی بدون تبعیض / توزیع امکانات به طور عادلانه و بسط عدالت اجتماعی / حکومت اسلامی، جمهوری اسلامی عدل اسلامی / عدم خیانت به بیت‌المال مسلمین / تحقق رفاه در گرو عدل اسلامی / استقرار عدل اسلامی
	پاسخگویی	گزارش دادن مسئولین به مردم / آگاهی مردم از فعالیت‌های دولت / بازخواست مسئولین و استیضاح آن‌ها توسط مردم / بیان تصمیمات و اقدامات دولت و مسئولین
نقش و جایگاه مشارکت عمومی	انتخابات	تعیین سرنوشت بر عهده خود مردم / تشکرهای متعدد پیرامون اهمیت انتخابات / آزادی مردم در انتخابات / تشویق مردم به حضور در انتخابات / لزوم رجوع به آرای عمومی برای تعیین سرنوشت مردم
	حضور فعال ملت	حضور مردم در مسائل سیاسی و اجتماعی و عدم بی‌تفاوتی / لزوم حضور فعال زنان در جامعه / امیدبخش بودن حضور مردم در مسائل جامعه
	حضور	تشکیل حزب مستضعفین در دنیا / نقش‌آفرینی بسیج در تحقق اهداف انقلاب /

مضامین فراگیر	مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه
	تشکیلاتی مردم در قالب نهاد مردمی	نقش آفرینی انجمن‌های اسلامی دانشجویان خارج از کشور در مسائل نظام / تشکیل گروه‌های خودجوش مردمی / تشکیل و نقش آفرینی گروه‌ها و نهادهای مردمی در اهداف انقلاب
مفهوم مردم	ولی نعمتان	حق مردم در مطالبه از مسئولین / تعیین مسئولین توسط مردم / مالکیت مردم بر اموال عمومی / لزوم تعیین سرنوشت خودشان / اعتقاد به ولی نعمت بودن مردم توسط مسئولین / جمهوری اسلامی حاصل فداکاری مردم است / مردم مالک دولت / مردم اربابان مسئولین
نقش دولت	خدمتگزاری	عدم آسیب‌پذیری نظام با خدمت مردم / دولت نوکر و خدمتگزار مردم / لزوم خدمتگزاری به مردم / خدمتگزار بودن پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) نسبت مردم / خدمتگزاری دولت، حق مردم
سازوکارهای انگیزشی برای نقش آفرینان	خدمت به اسلام و مردم	ترویج روحیه خدمتگزاری / رضایت خدا در گرو خدمتگزاری به مردم و رضای ملت / این حکومت، حکومت خدمت به مردم و اسلام / مقدس بودن کار برای نظام / فرصت بودن خدمت به مردم / خود را وقف در خدمت مردم قرار دادن / خدمت به مردم، همان خدمت به اسلام

در شکل زیر سعی شده مؤلفه‌های حکومت‌داری از منظر اندیشه امام خمینی (رحمه‌الله) به طور خلاصه در یک نگاه آورده شود. لازم به ذکر است همان‌طور که در فصل اول به آن اشاره شد، این پژوهش و تحلیل از منظر علم مدیریت دولتی شکل گرفته است. بنابراین در اندیشه امام خمینی (رحمه‌الله) به دنبال مؤلفه‌ها و ابعاد مطرح در مدیریت دولتی بوده‌ایم.



شکل ۱. صورت‌بندی و خلاصه مؤلفه‌های حکومت‌داری امام خمینی (رحمة‌الله)

ترسیم و تبیین اندیشه امام خمینی (رحمة الله) در حکومت داری

مضامین مستخرج شده، همان مؤلفه‌های حکومت داری از منظر امام خمینی (رحمة الله) است. از آن جا که تک واژه‌ها گویای نظام اندیشه‌ای امام خمینی (رحمة الله) نیست، لذا در ادامه به شرح و بسط آن می‌پردازیم. در متن زیر سعی شده کلام ایشان به گونه‌ای مرتب شود که تصویر مشخص از اندیشه ایشان ارائه دهد.

بستر علمی

امام خمینی (رحمة الله)، علم فقه را مبنای دانش تولید نظریه حکومت داری بیان کرده‌اند. ایشان این فقاہت را ریشه در دوران اهل بیت (علیهم السلام) می‌دانند. امام (رحمة الله) فقهی را اصالت می‌دهند که بتوان از آن، وضع حکومت را ترسیم کرد و با آن جامعه را اداره نمود. امام خمینی (رحمة الله) برای ایجاد و ادامه حیات حکومت اسلامی، باب اجتهاد و فقاہت را باز می‌بینند و اساساً آن را ضروری می‌دانند و فقها و فقه می‌توانند این کار را انجام دهد.

از طرف دیگر از آن جا که موضوع انفال مطرح می‌گردد و نیز از آن جا که حقوق عمومی ویژه خدا، رسول خدا، امامان بعد ایشان و جانشینان آن است، لذا باید اسلام‌شناسان برای آن تعیین تکلیف کنند. بنابراین فقه باید در این جا نقش آفرینی کند. امام خمینی در زمینه مشخص زیربنای علمی حکومت را فقه اسلامی بیان می‌کند: «یک مجتهد باید زیرکی و هوش و فراست هدایت یک جامعه بزرگ اسلامی و حتی غیراسلامی را داشته باشد و علاوه بر خلوص و تقوا و زهدی که درخور شأن مجتهد است، واقعاً مدیر و مدبر باشد. حکومت در نظر مجتهد واقعی فلسفه، عملی تمامی فقه در تمام زوایای زندگی بشریت است؛ حکومت نشان‌دهنده جنبه عملی فقه در برخورد با تمام معضلات اجتماعی، سیاسی، نظامی و فرهنگی است؛ و فقه، تئوری واقعی و کامل اداره انسان از گهواره تا گور است. هدف اساسی این است که ما چگونه می‌خواهیم اصول محکم فقه را در عمل فرد و جامعه پیاده کنیم و بتوانیم برای معضلات جواب داشته باشیم و همه ترس استکبار از همین مسأله است که فقه و اجتهاد، جنبه عینی و عملی پیدا کند و قدرت برخورد در مسلمانان را به وجود آورد» (صحیفه امام خمینی، ج ۲۱: ۲۹۰).

البته حضرت امام خمینی (رحمة الله)، فقه مورد نیاز حکومت را فقه پویا می‌نامند. در فقه پویا امام تأکید دارند زمان و مکان در اجتهاد نقش کلیدی دارد و راهگشای مسائل روز حکومت‌داری است. بنابراین در پیامی که به روحانیون دادند و ملقب به منشور روحانیت شد، این بحث را تبیین می‌نمایند: «اجتهاد به همان سبک صحیح است، ولی این بدان معنا نیست که فقه اسلام پویا نیست. زمان و مکان دو عنصر تعیین‌کننده در اجتهادند. مسأله‌ای که در قدیم دارای حکمی بوده است، به ظاهر همان مسأله در روابط حاکم بر سیاست و اجتماع و اقتصاد یک نظام ممکن است حکم جدیدی پیدا کند؛ بدان معنا که با شناخت دقیق روابط اقتصادی و اجتماعی و سیاسی همان موضوع اول که از نظر ظاهر با قدیم فرقی نکرده است، واقعاً موضوع جدیدی شده است که قهراً حکم جدیدی می‌طلبد. مجتهد باید به مسائل زمان خود احاطه داشته باشد. برای مردم و جوانان و حتی عوام هم قابل قبول نیست که مرجع و مجتهدش بگوید من در مسائل سیاسی اظهار نظر نمی‌کنم. آشنایی به روش برخورد با حیل‌ها و تزویرهای فرهنگ حاکم بر جهان، داشتن بصیرت و دید اقتصادی، اطلاع از کیفیت برخورد با اقتصاد حاکم بر جهان، شناخت سیاست‌ها و حتی سیاسیون و فرمول‌های دیکته شده آنان و درک موقعیت و نقاط قوت و ضعف دو قطب سرمایه‌داری و کمونیزم که در حقیقت استراتژی حکومت بر جهان را ترسیم می‌کنند، از ویژگی‌های یک مجتهد جامع است» (صحیفه امام خمینی، ج ۲۱: ۲۸۹).

ایشان حکومت را فقه عملی اسلام می‌دانند و بیان می‌کنند اساساً این فقه هست که می‌تواند الگوی حکومت‌داری را تعیین کند و تغییر دهد: «خلاصه کلام اینکه ما باید بدون توجه به غرب حیل‌گر و شرق متجاوز و فارغ از دیپلماسی حاکم بر جهان، درصدد تحقق فقه عملی اسلام برآییم؛ و الا مادامی که فقه در کتاب‌ها و سینه علما مستور بماند، ضرری متوجه جهان‌خواران نیست و روحانیت تا در همه مسائل و مشکلات حضور فعال نداشته باشند، نمی‌توانند درک کنند که اجتهاد مصطلح برای اداره جامعه کافی نیست. حوزه‌ها و روحانیت باید نبض تفکر و نیاز آینده جامعه را همیشه در دست خود داشته باشند و همواره چند قدم جلوتر از حوادث، مهبای عکس‌العمل مناسب باشند. چه بسا شیوه‌های رایج اداره امور مردم در سال‌های آینده تغییر کند و جوامع بشری برای حل مشکلات خود به مسائل جدید اسلام نیاز پیدا کنند. علمای بزرگوار اسلام از هم اکنون باید برای این موضوع فکری کنند» (صحیفه امام خمینی، ج ۲۱: ۲۹۲).

مبانی نظری

در تبیین یک الگوی حکومت‌داری، مبنایی‌ترین سؤالی که مطرح می‌شود این است که این الگوی حکمرانی منتخب، بر اساس چه مبانی نظری شکل گرفته است. یک تفاوت ماهوی میان الگوهای موجود و اندیشه حضرت امام خمینی (رحمة‌الله) وجود دارد که مکاتب دیگر بر مبنای مکاتب مادی و انسان‌محوری بنا نهاده شده، اما الگوی مدنظر حضرت امام، بر مبنای مکتب توحیدی پایه‌گذاری شده است.

مطابق با تصریح ایشان که بارها تکرار نموده‌اند، الگوی مطلوب حضرت امام بر پایه نظریه اسلام ناب است نظریه ولایت‌فقیه نیز منشعب از آن است: «امروز جهان تشنه فرهنگ اسلام ناب محمدی است؛ و مسلمانان در یک تشکیلات بزرگ اسلامی رونق و زرق و برق کاخ‌های سفید و سرخ را از بین خواهند برد» (صحیفه امام خمینی، ج ۲۱: ۸۷). اسلام ناب محمدی، در اندیشه امام خمینی (رحمة‌الله)، برگرفته شده از جهان‌بینی الهی است. امام (رحمة‌الله) دو جهان‌بینی را متصور هستند، جهان‌بینی الهی و جهان‌بینی مادی که اسلام ناب را برگرفته از جهان‌بینی الهی می‌دانند. امام خمینی (رحمة‌الله) اسلام اصیل را اسلام ناب محمدی می‌دانند و حد و مرز آن را با سایر قرائت‌ها از دین مشخص می‌کنند. ایشان نگاه غیر از این دیدگاه را انحراف از دیدن می‌دانند.

امام خمینی (رحمة‌الله)، به منظور تبیین دقیق‌تر اسلام ناب از آنچه به طور سنتی در جامعه مطرح بوده، آن را مقابل اسلام امریکایی قرار می‌دهند: «این‌ها (نفوذیان غرب زده) با قیافه‌ای حق به جانب و طرفدار دین و ولایت، همه را بی‌دین معرفی می‌کنند. باید از شرّ این‌ها به خدا پناه ببریم؛ و همچنین کسانی دیگر که بدون استثناء به هر چه روحانی و عالم است حمله می‌کنند و اسلام آن‌ها را اسلام امریکایی معرفی می‌نمایند، راهی بس خطرناک را می‌پویند که خدای ناکرده به شکست اسلام ناب محمدی منتهی می‌شود» (صحیفه امام خمینی، ج ۲۱: ۲۹۲).

امام به منظور بسط و توسعه این اندیشه در جامعه، خطاب به مسئولین نظام و علما، تأکید بر اعتقاد به اندیشه اسلام ناب در برابر اسلام امریکایی دارند: «علاقه‌مندم که فرد فرد شما عالم و متخصصی متعهد برای اسلام ناب محمدی و مبارزی سرسخت علیه اسلام امریکایی و مرفهین و پرچمدار وفاداری برای ایثارگران و شهیدان خود باشید و بتوانید با چراغ علم، عمل و تقوا، ظلمت

نفاق، کج‌فکری‌ها، تحجرها و مقدس‌مآبی‌ها را از دامن اسلام بزداييد» (صحیفه امام خمینی، ج ۲۱: ۱۴۳).

البته امام خمینی (رحمة‌الله)، هرچند اسلام ناب را مقابل اسلام امریکایی می‌بیند، لکن تفاوتی میان اسلام ناب و تحجر و تقدس‌مآبی قائل هستند. بنابراین خط اسلام ناب را کج‌روی‌ها دور می‌کند و آن را متمایز از دوگان اسلام امریکایی و تحجر می‌داند: «باید تلاش کنیم زهد و قدس اسلام ناب محمدی را از زنگارهای تحجرگرایی اسلام امریکایی جدا کرده و به مردم مستضعفان نشان دهیم» (صحیفه امام خمینی، ج ۲۱: ۱۴۳). ایشان دوگان تحجر و اسلام امریکایی را مخالف الگوی مطلوب حکومت‌داری بیان می‌کنند: «شما باید نشان دهید چگونه مردم، علیه ظلم و بیداد، تحجر و واپسگرایی قیام کردند و فکر اسلام ناب محمدی را جایگزین تفکر اسلام سلطنتی، اسلام سرمایه‌داری، اسلام التقاطی و در یک کلمه اسلام امریکایی نمودند» (صحیفه امام خمینی، ج ۲۱: ۲۴۰).

زمینه جامعه‌شناختی

نگاه امام خمینی (رحمة‌الله) به جامعه، نگاه رشد محوری برای مردم و بیداری ملت است. ایشان معتقد است حکومت، تکلیف و مبنای کار خود را تربیت جامعه قرار دهد. اساساً در کلان‌الگوی حکومت‌داری مطلوب امام خمینی (رحمة‌الله) که به نظر می‌رسد همان الگوی امام و امت است، امام جامعه تلاش می‌کند ملت رشد کنند. بنابراین نگاه به جامعه، رشد یافتن بوده و تربیت جزو لاینفک حکومت‌داری است. در اصل حکومت، بستر رشد را فراهم می‌کند و جامعه خودش تصمیم می‌گیرد و آینده خود را رقم می‌زند.

امام خمینی (رحمة‌الله)، شروع نهضت را برای تشکیل حکومت اسلامی، بیداری ملت می‌بیند: «این قدرت اسلام است، این قدرت ایمان ملت است، این بیداری ملت است که در سایه قرآن کریم و تعلیمات اسلام پیاخته است. مستضعفین پیاخته‌اند و مقابل مستکبرین ایستادند؛ چنانچه در طول تاریخ، انبیا با مستضعفین پیاخته‌اند، با مستکبرین مبارزه کردند و آن‌ها را شکست دادند. ملت مستضعف ما، به تبعیت از تعلیمات اسلام و قرآن کریم، دعوت اسلامی را لبیک گفت» (صحیفه امام خمینی، ج ۷: ۲۴۱).

یکی از انتقادهای جدی امام خمینی (رحمة الله) به حکومت پهلوی، مسیر تربیتی غلط در جامعه بود؛ چرا که جامعه را عقب مانده و غیر رشد یافته نگه می داشت. اجازه ورود مردم را به حکومت و تعیین سرنوشت خود نمی داد و این موجب فساد جامعه می شد: «شما آقایان و همه ملت باید توجه کنید سابقاً ما را آن طور تربیت کرده بودند و به واسطه تبلیغاتی که قدرت های چپاولگر درست کرده بودند که ما را از سیاست جدا کنند و ما دخالت در هیچ امر اجتماعی مردم، در هیچ امر سیاسی مردم نکنیم و آنهایی که می خواهند انجام بدهند، وظیفه شان را برای ابرقدرت ها به دست بگیرند سیاست را، حکومت را و همه چیزها را و بکشاند مردم را به طرف آن مرتبه و آن چیزی که خودشان می خواهند» (صحیفه امام خمینی، ج ۷: ۲۴۱).

امام نگاه تربیتی به جامعه را ریشه دار در اسلام می داند و بیان می کند دغدغه اسلام تربیت افراد و جامعه است. ایشان این موضوع را با مشی حکومت داری مطلوب پیوند می زند: «شما خیال نکنید اسلام آمده حیوان تربیت کند، آمده است خواب و خوراک برای حیوان درست کند. این یکی اش است؛ این را هم درست می کند، لکن این یک بُعد است، آن هم بُعد آخرش است. بُعدهای دیگری دارد که آن ها هم، همه اش از اسلام است و برای تربیت انسان است و انسان را می خواهد یک موجود رشیدی که همه این ابعاد را داشته باشد تربیت کند؛ و برای همه اینها هم دستور دارد اسلام؛ نسبت به یک جهت دون جهت دیگری نیست؛ برای حکومت اسلامی دستور دارد» (صحیفه امام خمینی، ج ۴: ۱۰).

بنابراین چه در تشکیل حکومت اسلامی و چه در استمرار و بقای آن، حکومت متعالی را در بستر جامعه رشد یافته می داند، پس تربیت جزو ماهیت نظام اسلامی می شود: «حکومت اسلامی هم این طوری است که می خواهد حکومت الله در عالم پیدا بشود؛ یعنی می خواهد سرباز مسلمان با سربازهای دیگر فرق داشته باشد؛ این سرباز الهی باشد. نخست وزیر مسلم با نخست وزیر سایر رژیم ها فرق داشته باشد؛ این یک موجود الهی باشد. هر جا یک مملکتی باشد که هر جایش ما برویم صدای الله در آن باشد. اسلام این را می خواهد. اسلام از کشورگشایی می خواهد که الله را در همه عالم نمایش بدهد؛ تربیت الوهیت بکند در همه عالم، تربیت انسانی بکند؛ انسان را برساند به آن جایی که در وهم تو ناید آن...» (صحیفه امام خمینی، ج ۸: ۴۳۶).

امام (رحمة‌الله) اساساً تفاوت بین مکاتب الهی و غیرالهی را چنین بیان می‌کنند و این انتظار را از حکومت اسلامی دارند: «لکن مکتب‌های توحیدی - که در رأس آن‌ها مکتب اسلام است - در عین حال که به مادیات و با مادیات سر و کار دارند، لکن مقصد این است که مردم را طوری تربیت کنند که مادیات، حجاب آن‌ها برای معنویات نباشد. مادیات را در خدمت معنویات می‌کشند» (صحیفه امام خمینی، ج ۹: ۲۸۸).

هدف حکومت

حضرت امام خمینی (رحمة‌الله)، برای تبیین جهت‌گیری و هدف حکومت اسلامی مد نظر خود، به صراحت نکاتی را مطرح نموده‌اند. ایشان این هدف‌گذاری را پیش از انقلاب ترسیم نموده و پس از آن نیز بارها تبیین کرده‌اند. برای مثال در سال ۱۳۵۶، خطاب به انجمن‌های اسلامی دانشجویان اروپا، به صراحت این مطلب را بیان نموده‌اند: «سرلوحه هدفان، اسلام و احکام عدالت پرور آن باشد؛ و ناچار بدون حکومت اسلامی عدالت خواه، رسیدن به این هدف محال است» (صحیفه امام خمینی، ج ۳: ۳۲۲).

امام (رحمة‌الله) هدف غایی برای انقلاب و تشکیل حکومت اسلامی متصور هستند و آن تحقق کامل اسلام در جامعه است، لکن هر زمانی ایشان این موضوع را تبیین کرده‌اند، آن را همراه با عدالت و حکومت عدل بیان نموده‌اند. بنابراین امام دو هدف غایی را بیان نموده‌اند؛ یکی تحقق کامله اسلام در جامعه و دیگری تحقق عدالت که هر دو را در یک عبارت حکومت عدل الهی جمع کرده‌اند. ایشان در شهریور ۵۷ نیز این موضوع را متذکر می‌شوند: «ملت عظیم‌الشان ایران! نهضت خود را ادامه داده و هرگز سستی به خود راه ندهید که نمی‌دهید. مطمئن باشید - به امید خدا - پیروزی و سرفرازی نزدیک است. ... هدف نجات ملت است، اجرای عدالت اسلامی و برقراری حکومت الهی بر پایه محکم عدل است» (صحیفه امام خمینی، ج ۳: ۴۵۵).

امام خمینی (رحمة‌الله) عدالت را در تمامی شئون اجرایی دولت می‌بینند و به نوعی می‌توان گفت تحقق نظام اسلامی و حکومت کامله اسلامی بدون عدالت غیرممکن است: «مذهب اسلام مثل مذهب مسیح نیست که راجع به حکومت و اداره مملکت دستوری نداشته باشد یا اگر داشته باشد به مسیحیان نرسیده باشد. اسلام حکومت دارد و حکومتش به همان نحو حکومت‌های دیگر

است و تشکیلات دارد، تشکیلات دارد، لکن تشکیلاتی که تمامش بر مبنای عدالت است» (صحیفه امام خمینی، ج ۴: ۴۱).

امام خمینی (رحمة الله) از آن جا که الگوی خود را پیامبر می‌دانند و از شیوه حکمرانی ایشان استفاده می‌کنند، بیان می‌کنند که عدالتخواهی در حکومت، ریشه در مشی ایشان دارد: «رسول خدایی که سال‌های طولانی در سلوک بوده است، وقتی فرصت پیدا کرد، یک حکومت سیاسی ایجاد نمود برای اینکه، عدالت ایجاد بشود. تبع ایجاد عدالت فرصت پیدا می‌شود برای اینکه هر کس هر چیزی دارد بیاورد. وقتی آشفته است، نمی‌توانند. در یک محیط آشفته نمی‌شود که اهل عرفان، عرفانشان را عرضه کنند، اهل فلسفه، فلسفه‌شان را، اهل فقه، فقهشان را، لکن وقتی حکومت یک حکومت عدل الهی شد و عدالت را جاری کرد و نگذاشت فرصت طلب‌ها به مقاصد خودشان برسند، یک محیط آرام پیدا می‌شود. در این محیط آرام، همه چیز پیدا می‌شود.» (صحیفه امام خمینی، ج ۲۰: ۱۱۶)

با توضیحات بالا مشخص می‌شود که امام خمینی (رحمة الله) یک هدف غایی برای حکومت متصور هستند و آن را تحقق کامل اسلام در جامعه می‌دانند. امام (رحمة الله) معتقدند تحقق اسلام با اقامه عدالت همراه است و بدون آن نمی‌شود. بنابراین ایشان هر زمانی صحبت از اهداف عالی نظام داشته‌اند، پای عدالت را به میان آورده‌اند. از این رو می‌توان گفت تحقق اسلام به همراه عدالت اجتماعی یا با عبارتی دقیق، حکومت عدل اسلامی، هدف غایی قلمداد می‌شود.

با بررسی اندیشه امام خمینی (رحمة الله)، این نکته به چشم می‌خورد که در کنار این هدف غایی، یک هدف فرعی نیز وجود دارد، و آن خدمت به مردم است. خدمت به مردم بارها به عنوان هدف برای دولت و دولتمردان مورد تأکید ایشان قرار گرفته است. «یک حکومت عدل اسلامی [می‌خواهد] به درد مردم برسد» (صحیفه امام خمینی، جلد ۴، صفحه ۵۸). «باید ما دنبال کنیم تا اینکه این نهضت را به آخر برسانیم و یک حکومت عادل در این جا باشد؛ یعنی یک حکومتی باشد که نخواهد جیب خودش را پر بکند؛ حکومتی باشد که خودش را از ملت بداند و خدمتگزار بداند، نه خودش را آقای ملت بداند» (صحیفه امام خمینی، ج ۶: ۷۹).

امام خمینی (رحمة الله) ضمن جهانی توصیف کردن نظام اسلامی ایران که متوجه مستضعفین عالم است و می‌خواهد آن را به قیام حضرت حجت (عجل الله تعالی فرجه الشریف) متصل نماید،

خدمت به مردم و اداره هر چه بهتر را در دستور کار نظام قرار می‌دهد: «انقلاب مردم ایران نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچمداری حضرت حجت (ارواحنا فداه) است که خداوند بر همه مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد. مسائل اقتصادی و مادی اگر لحظه‌ای مسئولین را از وظیفه‌ای که بر عهده دارند منصرف کند، خطری بزرگ و خیانتی سهمگین را به دنبال دارد. باید دولت جمهوری اسلامی تمامی سعی و توان خود را در اداره هر چه بهتر مردم بنماید، ولی این بدان معنا نیست که آن‌ها را از اهداف عظیم انقلاب که ایجاد حکومت جهانی اسلام است، منصرف کند» (صحیفه امام خمینی، ج ۲۱: ۳۲۷).

امام خمینی (رحمة‌الله) از آن‌جا خدمتگزاری را مورد تأکید قرار می‌دهند که اساساً امکانات کشور را برای مردم می‌دانند و باید در خدمت به مردم قرار گیرد: «وصیت اینجانب به وزرای مسئول در عصر حاضر و در عصرهای دیگر آن است که شما و کارمندان وزارتخانه‌ها بودجه‌ای که از آن ارتزاق می‌کنید، مال ملت است؛ پس باید همه خدمتگزار ملت و بخصوص مستضعفان باشید» (صحیفه امام خمینی، ج ۲۱: ۴۲۶).

بازیگران اصلی و نقش آفرینان

امام خمینی (رحمة‌الله) یک الگوی شبه شبکه‌ای با ۵ بازیگر اصلی را برای حکومت‌داری مطلوب ترسیم نموده‌اند. بازیگر اصلی با نقش محوری در این ساختار ولی فقیه است. ۴ بازیگر اصلی در مدار ولایت فقیه، شامل دولت و دولتمردان، مردم، نهادهای مردمی و خواص جامعه هستند. این الگو مبتنی بر نظریه ولایت فقیه است. از این رو به نظر می‌رسد کلان الگوی حکومت‌داری، الگوی امام و امت است، چرا که سایر بازیگران اصلی یا خود مردمند یا برخاسته از مردم.

بنابراین امت در هدایت ولی فقیه است. البته امام (رحمة‌الله) در متن صحیفه از این عبارت استفاده نکرده‌اند و این تحلیل منتج از پژوهش است. لازم به توضیح است در این زمینه طباطبایی (۱۴۰۰)، در رساله دکتری خود با عنوان «واکاوی ابعاد و مؤلفه‌های مکتب مدیریت دولتی اسلامی: بر پایه اندیشه حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)»، در نتیجه پژوهش خود به الگوی امام و امت در اندیشه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رسیده‌اند.

مطابق با داده‌های جمع‌آوری شده در این رساله، آیت‌الله خامنه‌ای به این الگو تصریح داشته‌اند و از آن‌جا که ایشان اندیشه‌ای برگرفته از اندیشه امام خمینی (رحمة‌الله) دارند، می‌توان الگو را ذیل اندیشه امام (رحمة‌الله) نیز پیش‌بینی کرد.

ولایت فقیه

در این مختصر فرصت تبیین و بسط نظریه ولایت فقیه وجود ندارد، لکن در محدوده این پژوهش و متناسب با اهداف این پژوهش، نکات مرتبط بیان می‌گردد. البته امام (رحمة‌الله) با توجه به شرایط انتخاب ولی فقیه و قوانین مرتبط با وی، تبیین می‌کنند این جایگاه نظام پادشاهی نیست و دیکتاتوری به وجود نخواهد آورد و اتفاقاً عناصر دولت را در مسیر خواست ملت قرار می‌دهد.

ایشان موضوع را چنین تبیین می‌کنند: «من به همه ملت، به همه قوای انتظامی، اطمینان می‌دهم که امر دولت اسلامی، اگر با نظارت فقیه و ولایت فقیه باشد، آسیبی بر این مملکت وارد نخواهد شد. گویندگان و نویسندگان نترسند از حکومت اسلامی و نترسند از ولایت فقیه. ولایت فقیه آن‌طور که اسلام مقرر فرموده و ائمه ما نصب فرموده‌اند، به کسی صدمه وارد نمی‌کند؛ دیکتاتوری به وجود نمی‌آورد؛ کاری که برخلاف مصالح مملکت است، انجام نمی‌دهد؛ و کارهایی که بخواهد دولت یا رئیس‌جمهور یا کس دیگری برخلاف مسیر ملت و مصالح کشور انجام دهد، فقیه کنترل می‌کند» (صحیفه امام خمینی، ج ۱۰: ۵).

این محوریت با رعایت اختیارات خود را نشان می‌دهد. بنابراین در ساختار حکومت باید ولایت فقیه در مرکزیت ارتباطات با سایر اجزاء حاکمیت باشد: «برای فقیه عادل، همه آن اختیارات پیامبر و ائمه (علیهم‌السلام) که به حکومت و سیاست برمی‌گردد، ثابت است؛ زیرا تفاوت میان فقیه و آنان، معقول و منطقی نیست؛ چه اینکه والی و حاکم هر کسی که باشد، مجری احکام شرعی، بر پا دارنده حدود الهی، گیرنده خراج و سایر مالیات‌ها و حقوق مالی اسلامی و تصرف در آن‌ها به آنچه صلاح مسلمانان است، می‌باشد» (البیع، ج ۲: ۴۱۷).

دولت و دولتمردان

به طور طبیعی یکی از عناصر اصلی در الگوی حکومت‌داری حضرت امام (رحمة‌الله)، دولت و دولتمردان هستند. امام (رحمة‌الله) این افراد را مسئول در برابر اهداف و تحقق ارزش‌های کشور

می‌دانند: «افرادی که به عنوان نمایندگان یا مسئولین دولت در جمهوری اسلامی انتخاب می‌شوند، شرایطی دارند که با رعایت آن شرایط، حقیقتاً نمایندگان واقعی مردم انتخاب می‌شوند، نه نمایندگان طبقه خاصی که به ضرر اکثریت ملت عمل کنند. خطوط اصلی در قانون اساسی این حکومت را اصول مسلم اسلام که در قرآن و سنت بیان شده، تشکیل می‌دهد» (صحیفه امام خمینی، ج ۵، ۴۳۶).

امام از آن‌جا که الگوی حکومت‌داری خود را دینی و اسلامی تعریف نموده‌اند، حرکت مسئولین را نیز منطبق بر عقاید اسلامی می‌دانند و از آن‌ها مطالبه می‌کنند. «ملت و دولت جمهوری اسلامی ایران، تسلیم احکام مقدس قرآن و اسلامند؛ و به حکم قرآن مجید خود را برادر ایمانی تمام ملت‌های اسلامی و کشورهای مختلف از حیث فرهنگ و جغرافیا می‌دانند؛ و طالب صلح‌جویی و زندگانی مسالمت‌آمیز با تمام دولت‌ها و ملت‌ها طالب هستند، تا دولتی به حریم کشور آنان تجاوز نکند و متعهد به احکام اسلام باشد» (صحیفه امام خمینی، ج ۱۶: ۴۷).

ملت

امام خمینی (رحمة‌الله) نقش ملت را نه تنها کلید و جزو ارکان حکومت می‌دانند، بلکه دولت را وامدار آنان معرفی می‌کنند. ایشان این‌گونه بیان می‌کنند که علاوه بر اینکه قدرت از آن ملت است، بلکه در برهه‌های مختلف اثبات شده این مردم هستند که نقش کلیدی و حیاتی دارند. در نگاه امام خمینی یکی دیگر از موارد لزوم توجه دولت به مردم، شریک کردن مردم در اداره امور کشور در عین توجه به آزادی آن‌ها است. امام خمینی ضمن تأکید بر این امر مهم، یکی از وظایف دولت را فراهم کردن زمینه‌های ورود مردم در اداره امور کشور و نظارت از انحراف این امور می‌دانند و خطاب به اعضای دولت می‌فرمایند: «از اموری که لازم است عرض کنم اینکه شما می‌دانید و ذکر هم کردید که دولت بدون پشتیبانی مردم نمی‌تواند کاری انجام بدهد...». بنا بر این اصل، شریک کردن مردم در اداره امور کشور، سبب پشتیبانی مردم از دولت می‌شود که خود یکی از مهم‌ترین دلایل بقای هر دولتی به حساب می‌آید. امام اساساً تعریف حکومت را رابطه بین حاکم و ملت توصیف می‌کنند. این تعبیر را امام (رحمة‌الله)، از مبانی دینی و سیره اهل بیت استخراج نموده‌اند. «اسلامی که در زمان رسول الله حکومتش تشکیل شد و باقی ماند؛ حکومت به عدل یا به غیر عدل، زمان حضرت امیر بود. باز حکومت عادلانه اسلامی بود؛ یک

حکومتی بود با سیاست، با همه جهاتی که بود. مگر سیاست چی است؟ روابط ما بین حاکم و ملت» (صحیفه امام خمینی، ج ۳: ۲۲۷).

امام ایمان داشتند و معتقد بودند این مردم هستند که اهداف انقلاب اسلامی را محقق می‌کنند و خواست آن‌ها همان اهداف اصلی انقلاب است. «ملت ایران مسلمان است و اسلام را می‌خواهد؛ آن اسلامی که در پناه آن آزادی و استقلال است، رفع ایادی اجانب است، هدم پایگاه‌های ظلم و فساد است، قطع کردن دست‌های خیانتکاران و جنایتکاران است» (صحیفه امام خمینی، ج ۳: ۲۶۲). امام (رحمة‌الله) مقایسه‌ای میان ملت ایران و ملت زمان صدر اسلام نموده‌اند و در این مقایسه تبیین کرده‌اند که رهبران باید مورد حمایت ملت قرار گیرند تا اهداف حکومت محقق شود. امام (رحمة‌الله) مردم، نهادهای مردمی و دولت را در اداره کشور در کنار یکدیگر می‌بینند. ایشان موضوع پیچیده و تخصصی جنگ و تحركات امنیتی ضد انقلاب در کشور را چنین می‌فرمایند: «ما باید ارشمان، ژاندارمری‌مان، پاسدارانمان، بسیجمان و آن کسانی که از عشایر به اینها متصلند و اینها، فعالانه جلو برویم و اگر یک وقت سستی کنیم، آن‌ها می‌آیند جلو. اگر یک قدم عقب بگذاریم آن‌ها می‌آیند جلو؛ آن‌ها ده قدم می‌آیند جلو» (صحیفه امام خمینی، ج ۱۵: ۲۸).

نهادهای مردمی

امام (رحمة‌الله) برای نقش آفرینی مردمی در حکومت‌داری، علاوه بر حضور عموم مردم، فعالیت آن‌ها را در مقام تشکیلات مردمی می‌دیدند. امام نه تنها به نهادهای مردمی بها می‌دادند و آن‌ها را دعوت به حضور می‌کردند، بلکه حتی خودشان هم دستور تأسیس آن‌ها را می‌دادند. بارزترین این نهادهای مردمی، بسیج است. حتی ایشان به این موضوع اکتفا نکرده و قشر خاصی از آن را که در جامعه اثرگذارترند (بسیج دانشجویی و بسیج طلاب) تأسیس نموده‌اند.

امام در بخشی از این پیام چنین می‌فرمایند: «باید بسیجیان جهان اسلام در فکر ایجاد حکومت بزرگ اسلامی باشند و این شدنی است، چرا که بسیج تنها منحصر به ایران اسلامی نیست. باید هسته‌های مقاومت را در تمامی جهان به وجود آورد و در مقابل شرق و غرب ایستاد» (صحیفه امام خمینی، ج ۲۱: ۱۹۵).

امام خمینی (رحمة‌الله) راه موفقیت و تحقق اهداف نظام را در گرو همکاری با تشکلهای مردمی می‌دانند. ایشان تحقق اهداف و نهادینه شدن ارزش‌های نظام را از تشکلهای مردمی

طلب می‌کنند و آن‌ها را تشویق به نقش آفرینی می‌کنند. همان‌طور که بیان شد از ارزش‌های پایه در الگوی حکومت‌داری امام خمینی (رحمة‌الله)، موضوع استقلال و شعار نه شرقی و نه غربی است که آن را ایشان اینچنین مطالبه می‌کنند.

اساساً امام برای تحقق چنین اهدافی، خودشان دستور تشکیل نهاد مردمی می‌دهند. «امروز یکی از ضروری‌ترین تشکلهای، بسیج دانشجویی و طلبه است. طلاب علوم دینی و دانشجویان دانشگاه‌ها باید با تمام توان خود در مراکزشان از انقلاب و اسلام دفاع کنند و فرزندان بسیجی در این دو مرکز، پاسدار اصول تغییرناپذیر «نه شرقی و نه غربی» باشند» (صحیفه امام خمینی، ج ۲۱: ۱۹۵).

امام خمینی (رحمة‌الله) مسجد را به عنوان یک نهاد مؤثر و قدرتمند در اداره کشور قلمداد می‌کنند که مردم، مسئولین، خواص و تشکلهای مردمی در آن نقش آفرینی می‌کنند. «مسجد محلی است که از مسجد باید اداره بشود. این مساجد بود که این پیروزی را برای ملت ما درست کرد. این مراکز حساسی است که ملت باید به آن توجه داشته باشند. این طور نباشد که خیال کنند حالا دیگر ما پیروز شدیم، دیگر مسجد می‌خواهیم چه کنیم. پیروزی ما در مسجد است» (صحیفه امام خمینی، ج ۱۳: ۱۵).

خواص

امام (رحمة‌الله) برای امر رهبری، علاوه بر مخاطب قرار دادن عموم مردم و توجیه، تبیین و تهییج آن‌ها برای تحقق اهداف نظام، برای اثرگذاری بیشتر، خواص جامعه را مخاطب قرار می‌دادند. ایشان و همچنین مقام معظم رهبری معتقدند یکی از بازوان رهبری و یکی از ارکان حکومت‌داری، خواص هستند.

ایشان در طول سال، دیدارهای متعدد یا حتی دوره‌ای با این افراد داشته‌اند. از نمونه‌ای خواص می‌توان به روحانیون، بسیجیان، معلمان و اساتید دانشگاه، بانوان فعال اجتماعی، ائمه جمعه و ائمه جماعات، مداحان، علما، نظامیان، دانشجویان مقیم خارج از کشور، هنرمندان و... اشاره نمود.

گاهی اوقات مصادیق خواص را در جامعه نهادهای عمومی اثرگذار می‌دیدند، مانند حوزه، دانشگاه، بسیج و... جهت نمونه برخی از این دیدارها و نکات را ذکر می‌کنیم. امام (رحمة‌الله) در پیامی به دانشجویان مقیم خارج از کشور از اهداف نظام بیان می‌کنند و تحقق آن را بر عهده آنان می‌دانند. قشر دانشجویان اعم از داخلی و خارجی مورد توجه حضرت امام خمینی (رحمة‌الله) بوده

است. پیام‌های متعدد امام به آن‌ها در زمان‌های قبل و پس از انقلاب و موقعیت‌های گوناگون نشان از اهمیت این قشر در سیره حکومت‌داری ایشان دارد. «برای پیاده کردن طرح حکومت اسلامی و بررسی مسائل آن، اهتمام بیشتری به خرج دهید. مذهب و مجهز شوید؛ متحد و متشکل شده و صفوف خود را فشرده‌تر سازید. هرچه بیشتر همفکر و انسان فداکار بسازید» (صحیفه امام خمینی، ج ۲: ۴۳۸).

امام (رحمه‌الله) در تاریخ ۳ اسفند سال ۶۷، طی پیامی به روحانیون، مراجع، مدرسین، طلاب و ائمه‌جمعه و جماعات که منشور روحانیت لقب گرفت، نکات مهمی را گوشزد کردند که هنوز تازگی دارد و برای پیشبرد اهداف انقلاب ضروری است. «بیش از دو هزار و پانصد تن از طلاب علوم دینی در سراسر ایران در جنگ تحمیلی شهید شده‌اند و این رقم نشان می‌دهد روحانیت برای دفاع از اسلام و کشور اسلامی ایران تا چه حد مهیا بوده است» (صحیفه امام خمینی، ج ۲۱: ۲۷۳). امام در این پیام، انتظار از تحقق اهداف و ارزش‌های حکومت اسلامی را از یک مجتهد این‌گونه بیان می‌کنند: «آشنایی به روش برخورد با حيله‌ها و تزویرهای فرهنگ حاکم بر جهان، داشتن بصیرت و دید اقتصادی، اطلاع از کیفیت برخورد با اقتصاد حاکم بر جهان، شناخت سیاست‌ها و حتی سیاسیون و فرمول‌های دیکته شده آنان و درک موقعیت و نقاط قوت و ضعف دو قطب سرمایه‌داری و کمونیزم که در حقیقت استراتژی حکومت بر جهان را ترسیم می‌کنند، از ویژگی‌های یک مجتهد جامع است» (صحیفه امام خمینی، ج ۲۱: ۲۷۶).

نحوه تنظیم‌گری

امام (رحمه‌الله) برای تنظیم روابط میان بازیگران اصلی و اداره مطلوب‌تر جامعه، چهار اصل جمهوریت، حاکمیت قانون الهی، نهادینه شدن ارزش‌ها و مصلحت را مطرح نموده‌اند. جاری‌سازی و نهادینه شدن این چهار اصل کمک می‌کند بازیگران کنار یکدیگر بهتر نقش‌آفرینی کنند و اهداف عالی حکومت با کارآمدی بهتری تحقق یابد. لازم به توضیح است که مطابق با اندیشه امام خمینی (رحمه‌الله)، هادی چهار بازیگر اصلی و چهار اصل تنظیم‌گر، ولی فقیه است. در زیر به تشریح هر یک از چهار اصل تنظیم‌گر می‌پردازیم.

جمهوریت

امام خمینی (رحمة‌الله) با قائل شدن نقشی مستقل برای حوزه حقوق اساسی و مردم، قدرت مردم را تعیین‌کننده فرض نموده‌اند و آن را یک مسأله عقلی می‌دانند: «باید اختیار دست مردم باشد. این یک مسأله عقلی است! هر عاقلی این مطلب را قبول دارد که مقدرات هر کس باید دست خودش باشد» (صحیفه امام خمینی، ج ۴: ۴۹۴).

امام (رحمة‌الله) با تأکید نقش‌آفرینی شوراها که نشان از قدرت مردم در قالب نهادهای عمومی داشتند، بر این باور بودند که با وجود مشروعیت دینی و سیاسی خودشان، باز هم مردم باید در سرنوشت و اداره جامعه تأثیر مستقیم داشته باشند: «تعیین نظام سیاسی با آرای خود مردم خواهد بود. ما جمهوری اسلامی را به آرای عمومی می‌گذاریم» (صحیفه امام خمینی، ج ۴: ۴۹۴).

یکی دیگر از مفاهیمی که امام بر آن اصرار داشت، نظارت مردم و به تعبیری، نقش امر به معروف و نهی از منکر در نظام سیاسی است. امام خمینی (رحمة‌الله) ضمن تبیین مفهوم جمهوری اسلامی بیان نموده‌اند معنی جمهوری اتکا به آرای اکثریت و معنی اسلامی مبتنی بر قانون اسلام است. «حکومت جمهوری اسلامی هم یک جمهوری است مثل سایر جمهوری‌ها، لکن قانونش قانون اسلام است» (صحیفه امام خمینی، ج ۵: ۳۴۷).

امام خمینی جمهوریت را حق مردم و در زمینه حقوق متقابل دولت و مردم می‌فرمایند: «هر فردی از افراد ملت حق دارد که مستقیماً در برابر سایرین، زمام‌دار مسلمین را استیضاح کند و به او انتقاد نماید و او باید جواب قانع‌کننده دهد و در غیر این صورت، اگر برخلاف وظایف اسلامی خود عمل کرده باشد، خود به خود از مقام زمامداری معزول است و ضوابط دیگری وجود دارد که این شکل را حل کند» (صحیفه امام خمینی، ج ۵: ۴۰۹).

حاکمیت قوانین الهی

قانون و قانون‌گرایی در اندیشه امام خمینی (رحمة‌الله) در راستای مبانی نظر دینی و سبک زندگی مطلوب و اهداف آن قرار دارد، زیرا حضرت امام خمینی (رحمة‌الله) معتقدند ذات باری تعالی، منشأ اصلی صدور قوانین و دستورات است که به صورت یک مکتب دینی الهی و سیاسی ساماندهی شده است.

امام (رحمة الله) ضمن تأکید بر قانون الهی می فرماید: «در حکومت اسلام، اسلام و قانون اسلام، حکومت می کند! افراد برای خودشان و به فکر (سلیقه و نظر شخصی) حکومت نکنند، در اسلام، حکومت، حکومت قانون است. حتی حکومت رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) و حکومت امیرالمؤمنین (علی السلام) حکومت قانون است» (صحیفه امام خمینی، ج ۲: ۴۳۸).

امام خمینی (رحمة الله) معتقدند هم فقیه و هم عموم مردم موظف به اجرای قوانین هستند که این نکته به مفهوم اجتماع مدنی نزدیک است و نیز به معنی التزام به قانون شریعت است که به مفهوم اجتماع متعهد نزدیک است. امام حاکمیت قانون الهی را با جمهوریت گره می زنند و آن‌ها را مکمل یکدیگر می دانند. «همان طور که بارها گفته‌ام، مردم در انتخابات آزادند و احتیاج به قییم ندارند و هیچ فرد یا گروه و دسته‌ای حق تحمیل فرد یا افرادی را به مردم ندارد. جامعه اسلامی ایران که با درایت و رشد سیاسی خود جمهوری اسلامی و ارزش‌های والای آن و حاکمیت قوانین خدا را پذیرفته‌اند و به این بیعت و پیمان بزرگ وفادار مانده‌اند، مسلماً قدرت تشخیص و انتخاب کاندیدای اصلح را دارند» (صحیفه امام خمینی، ج ۲۱: ۱۰).

البته امام (رحمة الله) قانون را همان قوانین الهی قلمداد می کنند و آن را واجب‌الاجرا می دانند که حکومت اسلامی، حکومت شریعت اسلامی است: «حاکمیت منحصر به خداست و قانون، فرمان و حکم خداست. قانون اسلام یا فرمان خدا، بر همه افراد در دولت اسلامی حکومت تام دارد. همه افراد از رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) گرفته تا خلفای آن حضرت و سایر افراد تا ابد، تابع قانون هستند: همان قانونی که از طرف خدای تبارک و تعالی نازل شده و در لسان قرآن و نبی اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) بیان شده است» (ولایت فقیه: ۷۰).

مصلحت

مصلحت در اندیشه امام خمینی (رحمة الله) جایگاه ویژه‌ای دارد. امام مصلحت مردم و مصلحت نظام را هم‌راستا تعریف می کنند. مصلحت‌سنجی در امورات کشور از سیاستگذاری تا اجرا را شامل می شود. امام خمینی در تعریف سیاستمداران اسلامی، دیانتشان را گره خورده به صلاح‌دید امور مردم می بینند و سیاستگذاری را بر مبنای صلاح ملت قلمداد می کنند: «سیاستمداران اسلامی، سیاستمداران روحانی، انبیا (علیهم السلام) شغلشان سیاست است. دیانت، همان سیاستی است که مردم را از اینجا حرکت می دهد و تمام چیزهایی که به صلاح ملت است و

به صلاح مردم است. آنها را از آن راه می‌برد که صلاح مردم است که همان صراط مستقیم است» (صحیفه امام خمینی، ج ۱۳: ۴۳۳).

ایشان اساساً یکی از نقاط افتراق میان حکومت اسلامی و شاهنشاهی را عمل بر مبنای صلاح مردم می‌دانند: «برای اداره کشور، ما احتیاج به پول نفت داریم. به هر کس که بخرد، به طور عادلانه نفت را می‌فروشیم و درآمد حاصل از آن را آن‌طور که صلاح ملت باشد به کار می‌اندازیم. لکن به طرزى که شاه عمل می‌کند، که خیانت است، ما نمی‌خواهیم عمل کنیم... ان‌شاءالله تمام امور به صلاح ملت جریان می‌یابد» (صحیفه امام خمینی، ج ۴: ۴۳۹).

امام (رحمة‌الله) بارها به مصلحت نظام و کشور اذعان داشته و به مسئولین تأکید کرده‌اند که باید در تصمیمات خود این مهم را لحاظ کنند: «حضرات آقایان توجه داشته باشند که مصلحت نظام از امور مهمه‌ای است که گاهی غفلت از آن موجب شکست اسلام عزیز می‌گردد. امروز جهان اسلام نظام جمهوری اسلامی ایران را تابلوی تمام نمای حل معضلات خویش می‌دانند. مصلحت نظام و مردم از امور مهمه‌ای است که مقاومت در مقابل آن ممکن است اسلام پابرهنگان زمین را در زمان‌های دور و نزدیک زیر سؤال برد، و اسلام امریکایی مستکبرین و متکبرین را با پشتوانه میلیاردها دلار توسط ایادی داخل و خارج آنان پیروز گرداند» (صحیفه امام خمینی، ج ۲۰: ۴۶۴).

مصلحت‌سنجی امام (رحمة‌الله) در امورات مهم دیگر نیز جلوه کرده است. امام (رحمة‌الله)، در پیام سالگرد حج خونین در سال ۱۳۶۷، تصمیم خود را در پذیرش قطعنامه و نوشیدن جام زهر مصلحت نظام و کشور بیان می‌کنند: «اما در مورد قبول قطعنامه که حقیقتاً مسأله بسیار تلخ و ناگواری برای همه و بخصوص برای من بود، این است که من تا چند روز قبل معتقد به همان شیوه دفاع و مواضع اعلام شده در جنگ بودم و مصلحت نظام و کشور و انقلاب را در اجرای آن می‌دیدم، ولی به واسطه حوادث و عواملی از ذکر آن فعلاً خودداری می‌کنم» (صحیفه امام خمینی، ج ۲۱: ۹۲).

این نگاه امام (رحمة‌الله) به مصلحت، خود را در نهادسازی و نظام‌سازی در حکومت‌داری نشان داد. تأسیس مجمع تشخیص مصلحت نظام هم در این راستا است و ایشان در مورد اختیارات این مجمع، آن را برای در نظر گرفتن صلاح کشور و مردم تعریف می‌کنند: «ان‌شاءالله تصمیم دارم در

تمام زمینه‌ها وضع به صورتی درآید که همه طبق قانون اساسی حرکت کنیم. آنچه در این سال‌ها انجام گرفته، در ارتباط با جنگ بوده است. مصلحت نظام و اسلام اقتضا می‌کرد تا گره‌های کور قانونی به سرعت به نفع مردم و اسلام بازگردد.» (صحیفه امام خمینی، ج ۲۱: ۲۰۳).

امام خمینی (رحمة الله)، مصلحت نظام، کشور، مردم و اسلام را در یک راستا تعریف می‌کنند و در بیانات متعددی آن‌ها را در کنار هم بیان کرده‌اند. ایشان در زمان سخنرانی برای تنویر چنین می‌فرمایند: «خدایا! تو می‌دانی که من صلاح ملت را، صلاح اسلام را، صلاح قرآن مجید را، صلاح روحانیت را، صلاح مسلمین را دارم عرض می‌کنم» (صحیفه امام خمینی، ج ۸: ۱۶۳).

نهادینه شدن ارزش‌ها

امام خمینی (رحمة الله) در الگوی حکومت‌داری خود، ضمن طرح و تبیین ارزش‌های اسلامی – انقلابی، سعی در نهادینه شدن آن‌ها در جامعه داشتند. ایشان این ارزش‌ها را متعادل‌کننده جامعه و تعالی‌بخش آن می‌دانند. لذا در سخنرانی‌ها، پیام‌ها و نامه‌های خود سعی در تبیین و تعمیق آن‌ها و تهییج جامعه برای اهتمام به این ارزش‌ها داشته‌اند. امام مجموعه متنوعی از ارزش‌های اسلامی و انقلابی را بیان نموده‌اند. امام موضوع ارزش‌های اسلامی را نه تنها به عنوان یک پدیده فرهنگی و زیرساخت اجتماعی می‌دانند، بلکه تأکید داشتند این ارزش‌ها باید در برنامه‌ریزی‌های کشور آورده شود.

وحدت

وحدت از منظر امام خمینی (رحمة الله) از ارزش‌های کلیدی جامعه و حکومت اسلامی قلمداد می‌شود. وحدت از منظر امام، هم جنبه داخلی دارد و هم جنبه جهان اسلام و مستضعفین عالم. امام (رحمة الله) ریشه این موضوع را دینی توضیح می‌دهند و آن را در عقاید مسلمان شرح می‌دهند. «تفرقه از شیطان است و وحدت کلمه و اتحاد از رحمان است» (صحیفه امام خمینی، ج ۱۷: ۲۹۵).

امام خمینی (رحمة الله) در بیان مفهوم وحدت با اشاره به آیه شریفه «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران: ۱۰۳) اتحاد و اجتماع جامعه را درهم تنیده می‌دانند و مقصد واحد داشتن و همبستگی را در تعامل با هم می‌بینند که این موضوع ریشه در نگاه توحیدی امام خمینی (رحمة الله) در جهان هستی دارد. «اگر این وحدت کلمه و این خاصیت که عبارت از اسلامیت است که در آن

همه چیز هست، اگر این را ما حفظ کنیم، تا آخر پیروز هستیم...» (صحیفه امام خمینی، ج ۶: ۴۹۷).

استقلال و آزادی

از نظر امام خمینی یکی از مهم‌ترین ارزش‌ها، رسیدن به استقلال و خودکفایی در ابعاد مختلف است. حضرت امام مهم‌ترین مشکل حکومت پهلوی را وابستگی به کشورهای بیگانه، به‌ویژه آمریکا می‌دانستند و معتقد بودند بسیاری از اقدامات شاه، تحت فشار آمریکا انجام می‌شود. بنابراین، این‌ها را مورد انتقاد قرار می‌دادند، چرا که معتقد بودند باید منفعت عمومی جامعه و بدون دخالت بیگانگان دیده شود. ایشان یکی از مهم‌ترین برنامه‌های خود را رسیدن به استقلال می‌دانند. حضرت امام در نوشته‌ها و سخنرانی‌های خود تأکید فراوانی بر دو امر «استقلال» و «خودکفایی» دارند و خودکفایی را مقدمه استقلال می‌دانند. ایشان معتقدند که وابستگی اقتصادی موجب وابستگی سیاسی و نظامی می‌شود. از این رو، باید به خودکفایی و استقلال اقتصادی رسید تا در سایر موارد فوق نیز از وابستگی‌های پیدا کرد. البته تأکید دارند در صورت کسب استقلال فکری، هیچ قدرتی نمی‌تواند به ما ضربه بزند.

در رابطه با رسیدن به خودکفایی می‌فرمایند: «وصیت من به همه این است که با یاد خدای متعال به سوی خودشناسی و خودکفایی و استقلال با همه ابعادش به پیش [روید] و بی‌تردید دست خدا با شما است. از هر امری که شائبه وابستگی با همه ابعادی که دارد، به طور قاطع احتراز نمایید. بدانید با اسلام می‌توانید مستقل باشید و با اسلام می‌توانید آزاد باشید. قرآن شما را آزاد قرار داده و قرآن استقلال شما را بیمه کرده است» (صحیفه امام خمینی، ج ۲۱: ۴۵۰).

امام (رحمة‌الله) در بیشتر موارد استقلال و آزادی را در کنار یکدیگر بیان کرده‌اند. ایشان معتقدند یکی از اهداف مهم و مبانی حکومت اسلامی و نظام سیاسی اسلام، بحث آزادی است. موضوع استقلال و آزادی در نگاه امام (رحمة‌الله)، پیش از انقلاب کاملاً مشهود بوده و آن را بارها تکرار نموده‌اند. به طوری که شعار «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» در تجمعات مردمی نهادینه شده بود.

امام خمینی (رحمة‌الله) در این باره می‌فرمایند: «هدف ما برقراری جمهوری اسلامی است و برنامه ما تحصیل آزادی و استقلال است. ما اسلام را می‌خواهیم که اسلام، آزادی به ما بدهد، نه

آزادی منهای اسلام. آزادی معنایش این نیست که بنشینید برخلاف اسلام صحبت کنید. آزادی در حدود قانون است، دین کشور ما اسلام است، آزادی در حدود این است که به اسلام ضرر نخورد. قانون اساسی ما دین را اسلام می‌داند» (صحیفه امام خمینی، ج ۷: ۴۸۷).

امام (رحمة‌الله) آزادی را حق اولیه انسان قلمداد کرده و بیان می‌نماید حکومت موظف به تأمین آن و اساساً برای حرکت تمدنی خودش، شرط اصلی است. «اول مرتبه تمدن، آزادی ملت است. مملکتی که آزادی ندارد، تمدن ندارد... مملکت متمدن آن است که آزاد باشد، متبوعانش آزاد باشد، مردم آزاد باشند در اظهار عقاید و رأیشان...» (صحیفه امام خمینی، ج ۵: ۳۲).

عدالت

امام خمینی در عین حال که مهم‌ترین وظیفه دولت را خدمت به مردم ذکر می‌کنند، اولویت را به عدالت در خدمتگزاری داده و تبعیض در خدمت‌رسانی و عدم رسیدگی به مسائل مردم را نشانه تباهی دولت می‌دانند و خطاب به دولت‌مردان می‌فرمایند: «شما باید کوشش کنید همه‌تان. هر کس در هر وزارتخانه هست باید کوشش کند که اجزای این وزارتخانه، افرادی که در آن وزارتخانه هست، وضع روحی‌اش جووری باشد که با مردم بسازد. مردم باز احساس نکنند که در این وزارتخانه هم وقتی ما بخواهیم کارمان را به وزیر بدهیم، باید یک مدتی دم در بایستیم و یک مدتی آن مأمور و آن مأمور و آن مأمور تا برسانند ما را به آنجا، آنجا هم پشت در بایستیم. نه! اگر یک وقت - خدای نخواست - دیدید دارد این طور می‌شود، بدانید دارید رو به تباهی می‌روید؛ دارید قدم برمی‌دارید رو به تباهی» (صحیفه امام خمینی، ج ۱۶: ۴۸۸).

امام با توجه به این مهم، قدرت و بقای دولت را منوط به عدم تبعیض در خدمت‌رسانی به مردم ذکر می‌کنند و می‌فرمایند: «آن روزی شما قوی هستید که این بقال سر محله و آن مؤمن توی مسجد و آن کسی که در جاهای بزرگ و اعیان و اشراف - فرض کنید - هست، برای شما این طور نباشد که برای او یک کاری بکنید، برای این نکنید» (صحیفه امام خمینی، ج ۱۶: ۴۸۸).

پاسخگویی

یکی دیگر از مصادیق لزوم توجه دولت‌مردان به مردم در اندیشه امام، پاسخگویی و ارائه گزارش کار دولت‌مردان به مردم است؛ به طوری که امام خمینی در ۴ شهریور ۱۳۶۳ خطاب به

اعضای دولت فرمودند: «از اول من مکرر این را گفته‌ام که شما کارهایی که می‌کنید، به مردم بگویید ... مردم باید بفهمند دولت چه کرده است برای مردم. این قاعده‌اش بود از اولی که دولت تأسیس می‌شود هرکاری که انجام می‌دهند، برای مردم ذکر کنند که مردم بفهمند چه کرده است» (صحیفه امام خمینی، ج ۱۹: ۳۳).

در دیدگاه امام خمینی (رحمة‌الله) به عنوان ادامه این سنت، حکم اینکه منبعث از تعالیم الهی است، «پاسخگویی» در کنار سایر مؤلفه‌های دموکراتیک از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و امام همواره از مردم می‌خواستند حاکمان و مدیران سیاسی جامعه را استیضاح کنند و از ایشان در مورد کارهایشان توضیح بخواهند.

نقش و جایگاه مشارکت عمومی

در اندیشه امام خمینی (رحمة‌الله)، مشارکت عمومی مردم جایگاه ویژه‌ای دارد. ایشان دائماً بر حضور و نقش‌آفرینی مردم و تصمیم‌گیری برای آینده کشور تأکید و توصیه داشته‌اند. با بررسی آثار امام خمینی (رحمة‌الله)، سه دسته نقش‌آفرینی را برای مردم متصور شده‌اند؛ اولین و بارزترین عرصه، عرصه انتخابات است که مردم به صورت دوره‌ای مشارکت می‌کنند. امام (رحمة‌الله)، مشارکت را لزوماً در انتخابات نمی‌بینند. ایشان مستقیماً حضور مردم را در عرصه‌های مختلف، اعم از بحران‌ها، مسائل اجتماعی و امورات عمومی درخواست نموده‌اند. امام خمینی (رحمة‌الله)، جایگاه ویژه‌ای برای نهادهای مردمی در اداره کشور، مانند بسیج، مسجد، تشکل‌های دانشجویی و... قائل می‌باشند.

انتخابات

امام خمینی (رحمة‌الله) تصمیم‌گیری در مورد سرنوشت کشور را حق مردم می‌دانستند و بیان می‌کردند حکومت باید این عرصه را برای نقش‌آفرینی مردم ایجاد کند. «از حقوق اولیه مردم این است که راجع به وکالتی که می‌خواهند در مجلس اشخاص را بفرستند، آزاد باشند که کسی را در مجلس بفرستند؛ این‌ها می‌خواهند سرنوشت یک مملکتی را تعیین کنند، می‌خواهند تمام امور مملکت تحت نظر این‌ها اداره بشود» (صحیفه امام خمینی، ج ۴: ۴۰۰).

امام (رحمة الله) از همان ابتدای انقلاب به آراء عمومی و تعیین سرنوشت توسط مردم تأکید داشتند. پس از پیروزی انقلاب با وجود برخی مخالفت‌ها، تعیین سرنوشت را در یک فرماندوم سراسری بر عهده مردم گذاشتند. ایشان در تاریخ ۱۰ دی ماه ۱۳۵۷ و پیش از پیروزی انقلاب چنین می‌فرمایند: «برنامه ما این است که رجوع کنیم به آرای عمومی، به آرای مردم. قوای انتظامی را کنار بگذاریم؛ خود مردم را، محول کنیم تنظیم انتخابات را به دست خود جوان‌های مردم» (صحیفه امام خمینی، ج ۵: ۳۲۳).

حضور فعال ملت

امام خمینی (رحمة الله)، مشارکت عمومی را منحصر به حضور در انتخابات نمی‌دانستند. ایشان حضور فعال و دائمی مردم را جزو اصول انقلاب می‌دانستند. «در این حکومت اسلامی و کمک به متصدیان امر و دولت مردان وفادار به جمهوری اسلامی نیز یک وظیفه اسلامی، انسانی و ملی است که امیدوارم ملت شریف و بیدار از آن غفلت نکنند و همان‌گونه که تا کنون در صحنه حاضر بودند و هستند و با کمک آنان حکومت اسلامی و جمهوری می‌توانست استقرار و استدام پیدا کند، از این پس نسل حاضر و نسل‌های آینده با وفاداری بر آن و پشتیبانی از آن، هر چه بیشتر استقرار یابد و ادامه داشته باشد.» (صحیفه امام خمینی، نامه‌ها: ۵۳). امام خمینی (رحمة الله) این حضور ملت را عقبه اجتماعی و سرمایه‌ای برای حکومت قلمداد می‌کنند. حضور ملت، راهگشای مسائل نظام است.

حضور تشکیلاتی مردم در قالب نهاد مردمی

امام خمینی (رحمة الله) به حضور فعالانه و بدون تشکیلات قانع نبودند. ایشان مردم را در قالب تشکیلات مردمی انتخاب می‌کردند و می‌پسندیدند. «روز قدس یک روز اسلامی است و یک بسیج عمومی اسلامی است. من امیدوارم این امر مقدمه باشد از برای یک «حزب مستضعفین» در تمام دنیا. من امیدوارم یک حزب به اسم «حزب مستضعفین» در تمام دنیا به وجود بیاید و همه مستضعفین با هم در این حزب شرکت کنند و مشکلاتی که سر راه مستضعفین است، از میان بردارند و قیام در مقابل مستکبرین و چپاولگران شرق و غرب کنند و دیگر اجازه ندهند مستکبرین بر مستضعفین عالم ظلم کنند و ندای اسلام را و وعده اسلام را- که حکومت مستضعفین بر

مستکبرین است و «وراثت ارض» برای مستضعفین است - محقق کنند» (صحیفه امام خمینی، ج ۱۴: ۲۸۴).

امام (رحمة‌الله) خودشان دستور تأسیس نهاد مردمی (بسیج دانشجو و طلبه) نموده‌اند و در پیام تأسیس آن، اهداف و آرمان‌های حکومت و انقلاب را از آنان درخواست می‌کردند. «امروز یکی از ضروری‌ترین تشکل‌ها، بسیج دانشجو و طلبه است. ... شما در جنگ تحمیلی نشان دادید با مدیریت صحیح و خوب می‌توان اسلام را فاتح جهان نمود. شما باید بدانید کارتان به پایان نرسیده است و انقلاب اسلامی در جهان، نیازمند فداکاری‌های شماس است» (صحیفه امام خمینی، ج ۲۱: ۱۹۵).

مفهوم مردم

امام (رحمة‌الله) مردم را در جایگاه ولی نعمت حکومت می‌دانستند. ولی نعمت در فرهنگ دهخدا بر فردی اطلاق می‌شود که بر کسی حق نعمت دارد. امام (رحمة‌الله)، مردم جامعه و مستضعفین را ولی نعمتان دولت و دولتمردان می‌دانستند و دولت را در جایگاه خدمتگزار تعریف کرده‌اند. «انصاف دهید که ما برای اسلام و کشور اسلامی خود چه کرده‌ایم و این جوانان عزیز از خود گذشته، از دانشگاهی تا روحانی و از روستایی تا شهرستانی و از کارگر تا بازاری چه کرده‌اند. از اول انقلاب تا کنون، تمام رنج‌ها، زحمت‌ها و جان‌بازی‌ها بر دوش این طبقات بوده است و آنان ولی نعمت ما بوده‌اند» (صحیفه امام خمینی، ج ۱۴: ۷۳).

امام خمینی (رحمة‌الله) در زمان‌های مختلف این نکته را به مسئولین گوشزد می‌کرده و آن‌ها را توصیه به خدمت‌رسانی حداکثری کرده‌اند. «به مجلس و دولت و دست‌اندرکاران توصیه می‌نمایم قدر این ملت را بدانید و در خدمت‌گزاری به آنان، بخصوص مستضعفان، محرومان و ستمدیدگان که نور چشمان ما و اولیای نعم همه هستند و جمهوری اسلامی رهاورد آنان و با فداکاری‌های آنان تحقق پیدا کرد و بقای آن نیز مرهون خدمات آنان است، فروگذار نکنید» (صحیفه امام خمینی، ج ۲۱: ۴۱۲).

نقش حکومت

امام خمینی مفهومی که برای حکومت انتخاب کرده‌اند، خدمتگزار است. امام (رحمة الله)، خدمتگزاری دولت را عامل بازدارندگی از آسیب‌پذیری نظام می‌دانند و تبیین می‌نمایند موجب ایجاد عقبه اجتماعی برای نظام می‌شود. «مادام که همه ما و شما در خدمت مردم هستیم، آسیبی به جمهوری اسلامی وارد نمی‌شود و ملت بزرگ و بیدار و در صحنه، جواب همه یاوه‌سرایان و زورگویان را می‌دهد» (صحیفه امام خمینی، ج ۱۵: ۲۸۰).

امام (رحمة الله) خطاب به مسئولین نظام، ضمن تعریف دولت بر خدمتگزاری، دلیل این خدمتگزاری را مالکیت مردم بر مملکت می‌دانند و حتی مردم را اربابان خود معرفی می‌کنند: «آقا! دولت مال مردم است؛ بودجه مملکت از جیب مردم است؛ شما نوکر مردم هستید؛ دولت‌ها خدمتگزار مردمند. هی لفظاً نگوئید من خدمتگزار و عملاً تو سر مردم بزنی و این ارباب‌های بیچاره‌تان را پایمال کنید» (صحیفه امام خمینی، ج ۱۲: ۹۷).

امام خمینی (رحمة الله) این روحیه خدمتگزاری را عقبه اجتماعی حکومت می‌دانند و تبیین می‌کنند که هر چه مسئولیت بیشتر و بالاتر باشد، باید روحیه خدمتگزاری و تواضع نیز بیشتر باشد. «کوشش کنید پایگاه ملی برای خودتان درست کنید. این به این است که گمان نکنید شما صاحب مقام و منصب هستید و باید به مردم فشار بیاورید. هر چه صاحب منصب ارشد باشد، باید بیشتر خدمتگزار باشد. مردم بفهمند که هر درجه‌ای که این بالا می‌رود، با مردم متواضع‌تر می‌شود... این یک مسأله کلی است برای همه ما که فکر این باشیم - که برای ملتمان - بفهمد ملت که ما خدمتگزار ملت هستیم. ملت ادراک کند که ما خیر او را می‌خواهیم. وقتی آن را ادراک کرد که ما همه خیر ملت را می‌خواهیم، ملت هم پشتیبان ماست. ان شاء الله خدا همه شما را حفظ کند! همه موفق باشید و همه خدمتگزار باشید و در این خدمتگزاری بدانید که هم رضای خدا را تحصیل کردید و هم رضای ملت - که رضای خداست - تحصیل نمودید» (صحیفه امام خمینی، ج ۷: ۵۱۱).

سازوکارهای انگیزشی برای نقش آفرینان

امام خمینی (رحمة الله) به منظور ایجاد انگیزش و تهییج بازیگران چهارگانه (دولتمردان، ملت، نهادهای مردمی و خواص) در حکومت که در بالا به آن اشاره شد، از ارزش‌های دینی مردمی

بهره جسته‌اند. ایشان خدمت به مردم و خدمت به اسلام را مبنای انگیزش قرار داده‌اند. یکی از اقشاری که ذیل خواص (یکی از ۴ بازیگر اصلی در حکومت‌داری) به آن اشاره شد، روحانیون و علما هستند.

امام (رحمة‌الله) به منظور انگیزه دادن برای فعال شدن در عرصه حکومت‌داری، خدمتگزاری را مطرح نموده‌اند. «روحانیون، علما و طلاب باید کارهای قضایی و اجرایی را برای خود یک امر مقدس و یک ارزش الهی بدانند و برای خود شخصیت و امتیازی قائل بشوند که در حوزه نشست‌اند، بلکه برای اجرای حکم خدا راحتی حوزه را رها کرده و مشغول به کارهای حکومت اسلامی شده‌اند... ما اگر امروز به نظام خدمت نکنیم و استقبال بی سابقه مردم از روحانیت را نادیده بگیریم، هرگز فرصت و شرایط بهتر از این را نخواهیم داشت» (صحیفه امام خمینی، ج ۲۱: ۲۹۲).

امام (رحمة‌الله) حتی در وصیتنامه خود برای مسئولین نظام، خدمت به اسلام و خدمت به مستضعفان را مطرح کرده‌اند. «وصیت اینجانب به رهبر و شورای رهبری در این عصر که عصر تهاجم ابرقدرت‌ها و وابستگان به آنان در داخل و خارج کشور به جمهوری اسلامی و در حقیقت به اسلام در پوشش جمهوری اسلامی و در عصرهای آینده است، آن است که خود را وقف در خدمت به اسلام و جمهوری اسلامی و محرومان و مستضعفان بنمایند» (صحیفه امام خمینی، ج ۲۱: ۴۲۳).

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در این پژوهش با هدف ترسیم الگوی مطلوب حکومت‌داری از منظر امام خمینی (رحمة‌الله) و با رویکرد تحلیل دانش مدیریت دولتی، مجموعه اندیشه‌ای امام خمینی (رحمة‌الله) مورد بررسی قرار گرفت. بدین منظور با مرور ادبیات حکومت‌داری و چارچوب‌های مفهومی ارائه شده در قالب بررسی نظر پژوهشگران و اندیشمندانی از قبیل: ازبورن (۲۰۰۶)، بنینگتون (۲۰۱۱)، زو و دیگران (۲۰۱۵)، دنهارت و دنهارت (۲۰۰۰)، ازبورن (۲۰۰۶)، براینس و دیگران (۲۰۱۴)، کلی و دیگران (۲۰۰۲)، استوکر (۲۰۰۶)، افلین (۲۰۰۷)، نیاوری و موشیو (۲۰۱۴)، ویزل و مودل (۲۰۱۴) و وی گودا (۲۰۰۲)، ۱۱ سؤال برای ترسیم و توجیه الگوی حکومت‌داری ارائه گردید که در نهایت هر الگویی ارائه شود، باید پاسخگوی این ۱۱ سؤال باشد.

صحیفه امام خمینی (رحمة الله)، شامل: پیام‌ها، نامه‌ها، سخنرانی‌ها و احکام از سال ۱۳۳۱ لغایت ۱۳۶۷ می‌باشد. با طی کردن مراحل روش تحلیل مضمون، ۱۹۹ مضمون پایه، ۲۸ مضمون سازمان‌دهنده و ۱۱ مضمون فراگیر استخراج گردید. تحلیل بیانات و اندیشه حضرت امام خمینی (رحمة الله)، نشان می‌دهد ایشان دارای انسجام الگوی حکومت‌داری هستند و برای اداره جامعه دارای یک مدل مشخص هستند.

خلاصه الگوی ترسیم شده در شکل ۳ نمایش داده شده است. امام فقه اسلامی شیعه را بستر علمی ظهور اندیشه حکمرانی و اسلام ناب محمدی را مبنای نظری آن در نظر گرفته‌اند. اسلام ناب در اندیشه امام خمینی در مقابل اسلام امریکایی و اندیشه متحجرین قرار دارد. ایشان دو هدف برای دولت ترسیم کرده‌اند. هدف غایی دولت را تحقق کامل حکومت عدل الهی و هدف واسطه را خدمت به مردم تعریف کرده‌اند.

امام (رحمة الله)، مردم را ولی نعمتان جامعه می‌داند. هر چند امام (رحمة الله) معتقدند مالکیت همه چیز و اختیار برای خداست و نگاه توحیدی دارند، لکن اموال عمومی را از آن مردم می‌دانند و تذکر می‌دهند این مردم حکومت اسلامی را خواسته‌اند، پس دولت و نظام باید پاسخگوی آنان باشد.

تعریف امام (رحمة الله) از دولت، خدمتگزار مردمی است. دولت همان‌طور که خدمتگزار است، امورات جامعه را با مشارکت مردم و نقش کلیدی آنان مدیریت می‌کند. امام (رحمة الله) بازیگران اصلی حکومت را دولت و دولتمردان، ملت، خواص و نهادهای مردمی با محوریت ولایت فقیه بیان نموده‌اند.

شاید بتوان نتیجه گرفت الگوی امام و امت، کلان الگوی مد نظر ایشان است؛ یعنی خواص جامعه، عموم مردم، نهادهای مردمی و دولتمردان که آن‌ها هم از بدنه مردمی هستند و حول نقش محوری ولی فقیه، مدیریت جامعه را به دست می‌گیرند. امام خمینی (رحمة الله) برای ایفای نقش تنظیم‌گری و ایجاد تعادل، لزوماً همه امور را بر عهده دخالت مستقیم ولایت فقیه قرار نداده‌اند. امام (رحمة الله)، جمهوریت، حاکمیت قوانین الهی، مصلحت و نهادینه شدن ارزش‌هایی همچون عدالت، استقلال و آزادی، پاسخگویی و وحدت، ارکان تنظیم‌گری معرفی نموده‌اند که این سه‌گانه می‌تواند نقش اساسی در تنظیم روابط ارکان دولت ایفا نماید.

پیشنهاد: در این پژوهش، صرفاً اندیشه امام خمینی (رحمة‌الله) در قالب پیام‌ها، نامه‌ها، احکام، سخنرانی‌ها، وصیتنامه، توصیه‌نامه‌ها و دست‌نوشته‌های اداری - اجرایی حکومت که در مجموعه ۲۱ جلدی صحیفه امام خمینی (رحمة‌الله) جمع‌آوری شده است، مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته. لکن به منظور بررسی دقیق‌تر و جامع‌نگاه امام خمینی (رحمة‌الله)، لازم است سه پژوهش دیگر صورت پذیرد؛ اول بررسی کتب امام خمینی (رحمة‌الله)، مانند البیع که نظرات عمیق ایشان در موضوعات مختلف، بالاخص اداره جامعه بیان شده است. به عنوان تکمیل‌کننده پژوهش حاضر که نیاز است با روش دلالت پژوهی به آن پرداخته شود. دوم بررسی سیره عملی امام خمینی (رحمة‌الله) در اداره حکومت که می‌تواند عینی شده نظرات ایشان را ترسیم کند؛ و سوم فراترکیب این سه پژوهش که می‌تواند ترسیم جامعی از نگاه امام خمینی (رحمة‌الله) داشته باشد.

به منظور جنبه عینی و عملیاتی شدن نتایج پژوهش پیشنهاد می‌شود این مدل با خبرگان حوزه اداره جامعه، اعم از اساتید و پژوهشگران حوزه علوم سیاسی و مدیریت دولتی به اشتراک گذاشته شود و برنامه‌هایی برای عملیاتی‌تر شدن این ابعاد و مؤلفه‌ها در حکومت‌داری ارائه گردد. پیشنهاد دیگری که می‌توان از نظر پژوهشی در ادامه تحقیق حاضر در نظر گرفت، ارزیابی تحقق این ابعاد و مؤلفه در الگوی حکومت‌داری فعلی نظام است.

فهرست منابع

- اسماعیلی، محمدمهدی و دشتکوهی، محسن. (۱۴۰۰). «مبانی معرفتی جمهوریت در اندیشه سیاسی امام خمینی»، سیاست، ش ۵۷: ۱ تا ۱۸.
- اسم حسینی، غلامرضا. (۱۳۹۹). «مبانی اخلاقی حقوق شهروندی در اندیشه سیاسی امام خمینی (رحمه‌الله)». مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، ش ۸۵: ۱۰۱۵ تا ۱۰۳۰
- الوانی، مهدی. (۱۳۸۸). «حکمرانی خوب شبکه از کنشگران جامعه مدنی». مدیریت توسعه و تحول، پیش شماره اول: ۱-۶.
- بور، مارک. (۱۳۹۷). حکومت‌داری، مقدمه‌ای بسیار کوتاه. ترجمه عرفان مصلح و زهره کریم میان. تهران: نشر کرگدن.
- پورعزت، علی‌اصغر. (۱۳۹۵). مبانی مدیریت دولتی. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- حاجی حسینی، حجت‌اله و دیگران. (۱۳۹۰). «تحلیل حکمرانی نظام نوآوری ایران بر پایه چرخه سیاستگذاری نوآوری». سیاست علم و فناوری، ش ۱۳، دوره ۴: ۳۳-۴۸.
- حجازی‌فر، سعید. (۱۳۹۷). «واکاوی ابعاد و مؤلفه‌های حاکمیت اسلامی بر اساس فرمایشات امام علی (علیه‌السلام)». به راهنمایی فرج‌اله رهنورد، مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، دکتری، مدیریت.
- حجازی‌فر، سعید و دیگران. (۱۳۹۶). «بررسی مطالعات حاکمیت اسلامی در ایران با استفاده از روش فراترکیب». فصلنامه علمی - پژوهشی مدیریت سازمان‌های دولتی، ش ۱، دوره ۶: ۸۲-۶۳.
- حسین‌پور، داوود و دیگران. (۱۳۹۹). «تحلیلی بر مطالعات حکومت‌داری از دیدگاه امام خمینی (رحمه‌الله) با بهره‌گیری از روش فراترکیب». مدیریت و پژوهش‌های دفاعی، سال ۱۹، ش ۹۰: ۱۰۹-۱۳۶.
- خمینی، روح‌الله. (۱۳۷۳). حکومت اسلامی یا ولایت فقیه. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (رحمه‌الله).
- (۱۳۸۱). ولایت فقیه. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (رحمه‌الله).
- (۱۳۷۹). تحریر الوسیله. ۲ جلدی. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (رحمه‌الله).
- (۱۳۹۰). صحیفه امام خمینی. ۲۲ جلدی. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (رحمه‌الله).
- دانایی‌فرد، حسن. (۱۳۹۵). نهضت‌های مدیریتی در بخش دولتی (گذشته، حال، آینده). تهران: انتشارات سمت.
- (۱۳۹۵). چالش‌های مدیریت دولتی در ایران. تهران: سمت.

رمضانی‌پور، حسین و اسماعیلی، محسن. (۱۳۹۹). «جایگاه حقوق شهروندی در سبک سیاسی امام خمینی (رحمة‌الله) و آیت‌الله خامنه‌ای با ترمزک بر سه مؤلفه؛ حق آزادی عقیده و بیان، حق مشارکت در تعیین سرنوشت و حق تحزب و تشکل». *جامعه‌شناسی سیاسی ایران*، ش ۱۲: ۱-۳۰.

ساعی، علی و کبیری، افشار. (پاییز ۱۳۹۱). «تحلیل تطبیقی کیفیت حکمرانی: مطالعه بین کشوری با رویکرد فازی از سال ۲۰۰۰-۲۰۰۸». *علوم اجتماعی*، ش ۵۱: ۵۰-۱۰۸.

سرمه، زهره و دیگران. (۱۳۹۴). *روش‌های تحقیق در علوم رفتاری*. تهران: آگه.

طباطبایی، سید مهدی. (۱۴۰۰). «واکاوی ابعاد و مؤلفه‌های مکتب مدیریت دولتی اسلامی: بر پایه‌ی اندیشه حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)». به راهنمایی میثم، لطیفی، دکتری، مدیریت.

کایر، آنه مته و دیگران. (۱۳۸۶). *حاکمیت*. تهران: مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.

مردی، الهه. (۱۳۹۷). «نقش و جایگاه مردم در ساختار جامعه در اندیشه اجتماعی فقهای معاصر با تأکید بر آراء امام خمینی». *نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان*، ش ۱۵: ۱۸۵-۲۰۱.

مقیمی، غلامحسین. (۱۳۹۹). «ساختار حکومت اسلامی - ولایی و شبکه درونی آن (با تأکید بر دیدگاه امام خمینی و امام خامنه‌ای مدظله‌العالی)». *فقه و سیاست*، ش ۱: ۶۲-۹۳.

مقیمی، غلامحسین. (۱۳۸۰). «مقایسه اندیشه سیاسی امام خمینی و محقق نائینی، در مورد نقش مردم». *رواق اندیشه*، ش ۶: ۷۷-۹۶.

موسوی، سید محمد. (۱۳۹۴). «جایگاه مصلحت در حکومت اسلامی با تأکید بر اندیشه فقهی - سیاسی امام خمینی». *حکومت اسلامی*، ش ۷۵: ۳۵-۶۶.

نرگسیان، عباس. (۱۳۸۷). «نگاهی به سیر تطور مدیریت دولتی». *مدیریت فرهنگ سازمانی*، ش ۱۷: ۱۵۷-۱۹۸.

وارث، سید حامد. (۱۳۸۰). «نگرش فراپارادایمی به مدیریت دولتی». *دانش مدیریت*، ش ۵۵: ۵۱-۸۲.

هیوز، آون. (۱۳۸۴). *مدیریت دولتی نوین*. ترجمه سید مهدی الوانی و همکاران. تهران: انتشارات مروارید.

یعقوبی، نور محمد. (۱۳۸۹). *مدیریت دولتی (سیر اندیشه‌های نوین)*. تهران: انتشارات سمت.

- Sandelowski, Margarete. & Barroso, Julie. (2007). **Handbook for Synthesizing Qualitative Research**. New York: Springer.
- Naseri, Zahra & Alireza Noruzi (2018), **Content Marketing Process Model: A Meta-Synthesis of the Literature**, *Webology*, Volume 15, Number 1, June, 2018, pp 8-18.
- Denhardt, R. & J. Denhardt (2000), “**The New Public Service: Serving Rather than Steering**”. *Public Administration Review*, 60 (6): 549-559.
- Denhardt, R. B. & Janet V. Denhardt (2007), **The New Public Service**, New York: M. E. Sharpe.
- Meuleman, Louis (2008): **Pulic Management and the Metagovernance of Hierarchies. In Networks and Markets: The feasibility of Designing and Managing Governance Style Combinations**, New York: Physica-Verlag Heideberg, p. 81.
- Kaufmann, Daniel, Kraay, Aart, & Zoido-Lobaton, Pablo (1999). **Governance Matters**. The World Bank.

- Leftwich, Adrian (2006). **Politics in command: development studies and the rediscovery of social science**. Routledge.
- Roberts, Alasdair S. (2000); "Less Government, More Secrecy: Reinvention and the Weakening of Freedom of Information Law", Public Administration Review; Vol. 60.
- Denhardt, Robert B. and Linda DeLeon (2000); "The Political Theory of Reinvention", Public Administration Review; Vol. 60, No. 2.
- Kelly, Gavin; Mulgan, Geoff; Muers, Stephen (2002): **Creating Public Value. An analytical framework for public service reform. In London: Strategy Unit, Cabinet Office.**
- Vigoda, Eran (2002): **From responsiveness to collaboration. Governance, citizens, and the next generation of public administration**. In Public Administration Review 62 (5), pp. 527–540.
- Osborne, Stephen P. (2006): **The New Public Governance?** In Public Management Review 8.
- Stoker, Gerry (2006): **Public value management. A new narrative for networked governance? In The American Review of Public Administration 36 (1).**
- O'Flynn, J. (Ed.) (2005): **Adding Public Value. A New Era of Contractual Governance?** PAC Annual Conference – Public Administration. University of Nottingham, United Kingdom.
- Benington, John (2011): **From private choice to public value**, pp. 31–49.
- Bryson, John M. Crosby, Barbara C. Bloomberg, Laura (2014): **Public value governance. Moving beyond traditional public administration and the new public management**. In Public Administration Review 74 (4), pp. 445–456.
- Mauri, Aurelio G. Muccio, Simonetta (2014): **The public management reform. From theory to practice. The role of cultural factors**. In International Journal of Advances in Management Science.
- Wiesel, Fredrika; Modell, Sven (2014): **From New Public Management to New Public Governance? Hybridization and Implications for Public Sector Consumerism**. In Financial Accountability & Management 30 (2), pp.
- XU, Runya; SUN, Qigui; SI, Wei (2015): **The Third Wave of Public Administration. The New Public Governance**. In Canadian Social Science 11 (7).
- Bourgon, Jocelyne, (2007), "Responsive, responsible and respected government: towards a New Public Administration theory", International Review of Administrative Sciences 2007 73: 7.
- Dobuzinskis, Laurent, (1997) "historical and epistemological trends in public administration", JOURNAL OF MANAGEMENT HISTORY NOVEMBER 1997, Department of Political Science, Simon Fraser University, Canada.
- Frederickson, H. George, (2001) "Public Ethics and the New Managerialism An Axiomatic Theory".
- Creswell, J. W. (2013). **Qualitative inquiry & research design: Choosing among five approaches**. Los Angeles: Sage Publications.

